



تحوّلات جمعیتی ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها



مدیریت پژوهش

تابستان 1392

عنوان و نام پدیدآور: تحولات جمعیتی ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها/ مرکز تحقیقات زن و خانواده.

مشخصات نشر: قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۹۰ ص.

شابک: ۲۵۰۰۰ ریال 978-600-93966-3-4

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: سیاست جمعیت -- ایران

موضوع: تنظیم خانواده -- ایران

موضوع: جمعیت -- آینده‌نگری -- ایران

شناسه افزوده: مرکز تحقیقات زن و خانواده

رده بندی کنگره: HB ۴/۳۶۳۶ ۱۳۹۲ ۴/۳ ت ۴۴/آ

رده بندی دیویی: ۶۰۹۵۵/۳۰۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۷۴۸۲۵

تحولات جمعیتی ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها



◆ ناشر: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان

◆ ویراستار: محسن فصاحت

◆ صفحه‌آرا: حسین مظفری

◆ نوبت چاپ: اول تابستان ۹۲

◆ شمارگان: ۳۰۰۰

◆ قطع و تعداد صفحه: رقعی ۹۰

◆ چاپخانه: نگارش

◆ قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

مراکز پخش:

قم: بلوار جمهوری اسلامی، میدان سپاه، خیابان مالک اشتر، شماره ۵۰

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۰۷۶۱۰ ۱۳-۰۲۵-۳۲۹۱۷۵۷۷ دورنگار: (۰۲۵)

تهران: خیابان انقلاب، خیابان بهار، بعد از تقاطع بهار - سمیه، کوچه صدیق، پلاک ۲۹، طبقه ۵

تلفن: ۰۲۱-۷۷۶۵۷۱۸۱ (۰۲۱)

پایگاه اینترنتی: www.wrc.ir ؛ پست الکترونیکی: info@wrc.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	7
بخش نخست: تحولات جمعیتی ایران و کارهای انجام شده.....	12
بخش دوم: زمینه‌ها و عوامل مؤثر در تحولات جمعیتی.....	23
1. عوامل فرهنگی.....	25
2. عوامل اقتصادی.....	31
3. عوامل اجتماعی.....	32
بخش سوم: وضعیت ویژه کنونی ایران و تصویر آینده.....	38
1. وضعیت ویژه ایران.....	38
2. تصویر آینده.....	43
بخش چهارم: رویکرد دین به موضوع جمعیت.....	50
1. مقدمات و قواعد.....	50
2. آموزه‌های دینی درباره افزایش جمعیت.....	54
3. آموزه‌های دینی درباره کاهش جمعیت.....	60
4. حکم اجتماعی اسلام درباره جمعیت.....	65
بخش پنجم: راهبردها.....	73
1. اصلاح نظام تربیت.....	77
2. اصلاح ساختارهای اقتصادی.....	78

3.	تدوین پیوست تحلیلی.....	79
4.	اِعمال سیاست‌های تشویقی.....	80
5.	افزایش آگاهی‌ها و مهارت‌ها.....	81
6.	تدوین الگوی واگذاری و بهره‌گیری از منابع و امکانات طبیعی و مدیریت نیروی انسانی.....	83
86.	سخن پایانی.....	86
89.	کتابنامه.....	89

پیشگفتار

پس از آنکه سرشماری جمعیت کشور در سال 1385 روند کاهش رشد جمعیت را آشکارتر از گذشته نشان داد^۱، گفت‌وگو درباره تحولات جمعیتی کشور در کانون‌های کارشناسی و مدیریتی، تا اندازه‌ای فراگیر شد و برخی از کارشناسان و جمعیت‌شناسان درباره کاهش رشد جمعیت هشدار دادند. رئیس‌جمهور وقت نیز با هشدار نسبت به کاهش رشد جمعیت، از ضرورت برداشتن گام‌های مؤثر برای افزایش جمعیت سخن گفت؛ موضوعی که با واکنش منفی دولتمردان و صاحب‌نظران روبه‌رو شد.^۲

۱. برای آشنایی با داده‌های آماری سال 1385، ر.ک: «نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1385»، درگاه ملی مرکز آمار ایران،

(در نشانی <http://www.Amar.org.ir/default.aspx?tabid=549>)؛ مرکز امور زنان و

خانواده ریاست‌جمهوری، تحلیل آمارهای جمعیتی کشور، پاییز 1387.

۲. «احمدی‌نژاد: دو بچه کافی نیست!»، *روزنامه اعتماد ملی*، 1385/8/1، ص 2؛ «دولت به جای اداره جمعیت 150 میلیونی، مشکل بیکاران را حل‌کند»، *روزنامه مردم‌سالاری*، ش 2329، 1389/1/26، ص 1.

(در نشانی <http://www.Mardomsalari.com/template1/news.aspx?NID=74554>).

چند سال بعد، آمارهای جمعیتی سرشماری سال 1390 نشان داد که نرخ فرزندآوری در خانواده‌های ایرانی به کمتر از «حدّ جایگزینی باروری»^۱ رسیده است. «بخش جمعیت اداره اقتصاد و امور اجتماعی سازمان ملل متحد»^۲ در «بازبینی سال 2010 میلادی پیش‌بینی‌های جمعیت جهان» پیش‌بینی‌های آینده‌نگرانه‌ای از روند تحولات جمعیتی ایران در چهار دورنما پیش روی ما می‌گذاشت که در نگران‌کننده‌ترین دورنما، جمعیت ایران در سال 1405 به اوج خود یعنی 79 میلیون نفر خواهد رسید و پس از آن با رشد منفی روبه‌رو می‌شود و در سال 1450 به 56 میلیون نفر و در سال 1480 به 31 میلیون نفر^۳ کاهش خواهد یافت.^۴

۱. «حدّ جایگزینی باروری» (Replacement level fertility) میزانی از باروری است که در آن، جمعیت یک نسل بتواند نسل بعدی را به طور کامل، جایگزین خود کند؛ این هدف هنگامی برآورده می‌شود که زنان جامعه در زندگی خویش، به اندازه کافی دختر برای جایگزین کردن خود در جمعیت داشته باشند. هنگامی که از هر زن، یک دختر برای تجدید نسل بماند، میزان خالص تجدید نسل، یک می‌شود؛ از این رو، «حدّ جایگزینی باروری» برای هر زن، 2/1 (دو و یک‌دهم) فرزند است.

2. United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division.

۳. ر.ک: خلاصه مدیریتی طرح پژوهشی بررسی چالش‌ها و مسائل انتقال جمعیتی در ایران، ص 25-29.

۴. ناگفته نماند که در متن بالا، تاریخچه تحولات جمعیتی ایران در نظر بوده است؛ وگرنه «بخش جمعیت اداره اقتصاد و امور اجتماعی سازمان ملل متحد» در «بازبینی سال 2012 میلادی پیش‌بینی‌های جمعیت جهان» که در ژوئن 2013 میلادی (خردادماه 1392) منتشر کرده، آمار متفاوتی را در چهار دورنما پیش‌بینی کرده است که در نگران‌کننده‌ترین دورنما (دورنمای باروری پایین) پیش‌بینی شده که جمعیت ایران در سال 1405 شمسی (2026 میلادی) 84 میلیون نفر خواهد بود و سپس در اوج خود در سال 1422 شمسی (2043 میلادی) به 87 میلیون و 825 هزار نفر می‌رسد و پس از آغاز روند کاهشی، در سال 1450 شمسی (2071 میلادی) به 76 میلیون و 654 هزار نفر و در سال 1479 شمسی (2100 میلادی) به 55 میلیون و 165 هزار نفر خواهد رسید. در این باره،

تحوّلات جمعیتی ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها 9

دادن گزارش‌های نگران‌کننده سالیان اخیر به محضر رهبر معظم انقلاب، سبب شد که ایشان در چندین جلسه، مانند دیدار با روحانیان مجلس در اردیبهشت سال 1389 و دیدار با مسئولان نظام در مردادماه سال 1390، دیدگاه انتقادی خود را بیان کنند و در مهرماه سال 1391 در دیدار با مردم بجنورد، نگاه خود را به پیگیری سیاست‌های مهار جمعیت در چهارچوب سخنانی آشکار و استوار مطرح کنند و از ضرورت برنامه‌ریزی برای رشد جمعیت سخن به میان آورند:

«یکی از خطاهایی که خود ما کردیم - بنده خودم هم، در این خطا سهیمم - این مسئله تحدید نسل [است که] از اواسط دهه 70 به این طرف، باید متوقف می‌شد ... این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود! عرض کردم؛ مسئولین کشور در این اشتباه سهیم‌اند؛ خود بنده فقیر هم در این اشتباه سهیمم؛ این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد! نسل جوان را باید حفظ کرد؛ با این روند کنونی، اگر ما پیش برویم ... کشور پیر خواهد شد! خانواده‌ها [و] جوان‌ها باید تولیدمثل را زیاد کنند؛ [باید] نسل را افزایش دهند؛ این محدودکردن [تعداد] فرزندان در خانه‌ها - به این شکلی که امروز هست - خطاست!»^۱

پس از آن، نهادهای مسئول مانند «شورای عالی انقلاب فرهنگی» و «مجلس شورای اسلامی» کوشیدند با تصویب سیاست‌ها و طرح‌هایی، تکلیف خود را در این باره به جای آورند؛ چنان‌که شخصیت‌های مذهبی نیز، به برخی ابعاد موضوع، بیش از پیش پرداختند.



ر.ک:

United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division,
«World Population Prospects: The 2012 Revision - Excel Tables - Population Data»,
(Address: <http://esa.un.org/unpd/wpp/Excel-Data/Population.htm>).

۱. ر.ک: «بیانات در اجتماع مردم بجنورد»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت

آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، 1391/7/19.

(در نشانی <http://Farsi.Khamenei.ir/speech-content?id=21126>).

با این همه، باید پذیرفت با آنکه جمعیت، عاملی برجسته و اثرگذار در بسیاری از مسائل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است، نهادهای مسئول هنوز به تصویری روشن از تحولات جمعیتی و علّت‌ها و پیامدهای آن دست نیافته و به شکلی روشمند با این مسئله روبه‌رو نشده‌اند. بررسی نگرش‌ها و گرایش‌ها و روش‌ها در رویارویی با این مسئله اجتماعی می‌تواند برخی از کاستی‌ها را آشکار کند و به پرسش‌هایی از این دست، روشن‌تر پاسخ دهد:

جامعه‌کارشناسی و سیاست‌گذاری ما چگونه با موضوع جمعیت روبه‌رو شده‌است؟ آیا به پیامدهای میان‌رشته‌ای بودن موضوع جمعیت و ضرورت هم‌اندیشی دانشمندان حوزه‌های گوناگون اندیشیده‌است؛ یا آنکه با تمرکز بر برخی حوزه‌ها و پافشاری بر پاره‌ای از جنبه‌ها، به تدوین اسناد در این‌باره دست زده‌است؟ آیا اصولاً تحولات جمعیتی کنونی، در مقیاس کلان بازگشت‌پذیر است؛ یا آنکه زمینه‌ها و عوامل آن از گونه‌ای پابرجایی برخوردارند که بازگشت به وضعیت دهه هفتاد و پیش از آن را ناممکن می‌سازند؟ جامعه فقاهتی ما چه تصویری از جمعیت دارد و آیا تحلیل فقهی خویش را بر نگاه خُرد به موضوع جمعیت -که بیشتر با عنوان «تنظیم خانواده» شناخته می‌شود- استوار کرده‌است؛ یا تحولات جمعیتی در مقیاس کلان و حکومتی را موضوع حکم قرار می‌دهد؟ چگونه می‌توان برای شناخت چنین موضوعاتی، ارتباط نهاد فقاقت با نهادهای کارشناسی را بر شیوه‌ای درست و روشی علمی و دفاع‌پذیر استوار ساخت؟

آنچه بحث از موضوع جمعیت را برای «مرکز تحقیقات زن و خانواده» مهم و بررسی ابعاد آن را ضروری می‌سازد، چند چیز است:

یکم. به ارتباط میان تحولات جمعیتی و الگوهای تربیتی و جامعه‌پذیری فرزندان، رابطه میان تحولات جمعیتی و ساختار خانواده و مناسبات خانوادگی و طلاق، تأثیر تحولات جمعیتی در تحولات جنسی، رابطه میان تحولات جمعیتی و هویت جنسی، و تأثیر تحولات جمعیتی در تحولات بین‌نسلی، می‌توان و باید بیشتر اندیشید.

دوم. شتاب گرفتن نهادهای رسمی نظام در حلّ مسئله پیش از دستیابی به تحلیلی جامع، می‌تواند به گرفته‌شدن تصمیم‌هایی پُرهزینه و کم‌بازده بینجامد

که نه جامعه علمی کشور را قانع و نه جامعه عمومی را همراه سازد. سوم. کمبود مطالعات آینده‌نگرانه و نبود دیدبانی علمی در کشور ما سبب شده موضوعی که به طور مبنایی، باید در آغاز دهه هفتاد بررسی می‌شد، دو دهه دیرتر شناخته و پیگیری شود. هم‌اکنون نیز، جای این نگرانی است که بحث‌های جمعیتی و موضوعات وابسته به آن - که در دهه‌های آینده با آن روبه‌رو خواهیم شد - در تیررس نگاه کارشناسان قرار نگیرد و در نتیجه، نهادهای نظام خود را آماده برخورد با وضعیت آینده نکنند؛ مسائل مربوط به سالمندان و نظام حمایتی از آنان، کاهش شادابی اجتماعی به دلیل کاهش پیوندهای خویشاوندی، و افزایش بیش از پیش آمار طلاق، مواردی از این دست‌اند.

چهارم. در بررسی مسائل جمعیت، با رویکردهای گوناگونی روبه‌رویم و این نگرانی هست که برخی‌ها در بستر نقد کارشناسی‌های مدرن، به رویکردهای عرفی و احساسی و نگرش‌های انتزاعی و ساده‌انگارانه دچار شوند و نتوانند پیچیدگی ابعاد مسئله و درهم‌تنیدگی این موضوع با دیگر پدیده‌های اجتماعی را به‌درستی تصور کنند.

در این نوشتار پس از گزارش اطلاعاتی از تحولات جمعیتی ایران و کارهایی که دولت‌ها در زمینه مهار جمعیت انجام داده‌اند، می‌کوشیم نگاهی به عوامل و عناوین هم‌بسته با تحولات جمعیتی ایران بیندازیم و پس از دیدن تصویری کوتاه از آینده جمعیتی و مناسبات خانوادگی وابسته به آن، با فضای معنایی متون اسلامی درباره جمعیت آشنا شویم و در پایان، راهبردهای مورد نظر را پیشنهاد دهیم.

بخش نخست: تحولات جمعیتی ایران و کارهای انجام‌شده

دولت تا پیش از دهه 1330، سیاست‌گذاری جمعیتی مشخصی نداشت. در سال 1334، «اداره بهداشت مادران و کودکان» در «وزارت بهداشت» راه‌اندازی شد و کارهایی برای مهار باروری انجام‌داد. در همان سال، انجمن خیریه «راهنمای خانواده» با همکاری «صندوق بین‌المللی جمعیت» ابزارهای پیشگیری را به برخی مراکز دولتی و غیر دولتی می‌داد.

آمارهای جمعیتی سال 1345 نشان می‌داد که در بازه ده‌ساله 1335 تا 1345، «نرخ رشد سالیانه جمعیت» $3/13$ درصد و «نرخ باروری کلی»^۱ برابر با $7/7$ فرزند بوده و «بعد خانوار»^۲ که در سال 1335 برابر با $4/8$ نفر بود، در سال 1345 به 5 نفر رسیده‌است. با آنکه در این بازه زمانی جمعیت کشور کمتر از 30 میلیون نفر برآورد شده‌بود، در پایان سال 1345 با نظر کارشناسان شورای جمعیتی مستقر در آمریکا، «شورای عالی بهداشت و تنظیم خانواده» و «ستاد عالی هماهنگی» با همکاری دستگاه‌های دولتی سازمان‌دهی و «حوزه معاونت وزارت بهداشت» برای اجرای برنامه‌های آن در نظر گرفته‌شد^۳ و به دنبال آن، از سال 1346 «سازمان جمعیت و تنظیم خانواده» راه‌اندازی شد.

در پایان سال 1346، موضوع دادن خدمات تنظیم خانواده با هدف مهار باروری و رشد جمعیت، در برنامه عمرانی چهارم کشور (1347-1351) گنجانده و سپس در برنامه عمرانی پنجم (1352-1356) نیز پیگیری شد. با اینکه برنامه‌های تنظیم خانواده پذیرشی همگانی پیدا نکرد، «نرخ رشد سالیانه

۱. «نرخ باروری کلی» (Total fertility rate) میانگین تعداد فرزندان است که یک زن در طول دوران باروری خویش (15 تا 49 سالگی) به دنیا می‌آورد.

۲. «بعد خانوار» میانگین تعداد افراد در خانواده است که از تقسیم تعداد جمعیت کشور به تعداد خانوارها به دست می‌آید.

۳. ر.ک: مصطفی سمیعی نسب و مرتضی ترابی، «شاخص‌ها و سیاست‌های جمعیتی در ایران»، فصلنامه برداشت دوم، ش 11 و 12، ص 176.

تحولات جمعیتی ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها 13

جمعیت در ده‌ساله 1345 تا 1355 به 2/71 درصد و «نرخ باروری کلی» به 6/3 فرزند کاهش یافت؛ اما «بُعد خانوار» همچنان 5 نفر ماند.

پس از انقلاب اسلامی، رشد جمعیت شتاب گرفت؛ چنان‌که در بازه ده‌ساله 1355 تا 1365 «نرخ رشد سالیانه جمعیت» به 3/91 درصد، «نرخ باروری کلی» به 6/9 فرزند، «جمعیت کل کشور» به 50 میلیون نفر و «بُعد خانوار» به 5/1 نفر رسید^۱ که البته ورود مهاجرانی از همسایگان شرقی و غربی، بخشی از این افزایش را توضیح می‌دهد.^۲ پس از سرشماری سال 1365 بود که کارشناسان جمعیت و بهداشت، نسبت به «انفجار جمعیت» هشدار دادند و مسئولان کشور را برای پیگیری سیاست «تحدید جمعیت» قانع ساختند؛ از این‌رو، در سال 1368 در متن «برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» به برنامه مهار جمعیت توجه شد و در برنامه‌های دوم و سوم توسعه نیز، پُرنرنگ‌تر پیگیری شد.

بر اساس بند «ج» قانون «برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» تصویب‌شده 1368/11/11 -که به «تصویر کلان برنامه» می‌پردازد- «خطوط کلی سیاست تحدید موالید کشور» به این شرح، به تصویب رسید:

«بر مبنای بررسی‌های به‌عمل‌آمده، اعمال سیاست تعدیل موالید از 6/4 مولود زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه بارداری یک زن (سال 1365) به 4 نوزاد در سال 1390 و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از 3/2 به 2/3 درصد در همین مدت، با توجه به ساختمان فعلی بسیار جوان جمعیت و ویژگی‌های زیستی و فرهنگی جامعه، امکان‌پذیر خواهد بود؛ از این‌رو، کاهش باروری

۱. ر.ک: «سری‌های زمانی جمعیت»، درگاه ملی مرکز آمار ایران،

(در نشانی

<http://www.Amar.org.ir/default.aspx?tabid=96&agentType=ViewType&PropertyTypeID=4>.)

۲. رشد طبیعی جمعیت را -که پس از کم‌کردن تعداد مهاجران از رشد جمعیت به‌دست می‌آید- در این ده‌ساله، حدود 3/2 درصد دانسته‌اند.

عمومی زنان تا حد⁴ نوزاد و نرخ رشد طبیعی 2/3 درصد در سال 1390، مهم‌ترین هدف‌های درازمدت سیاست تحدید موالید کشور خواهدبود و متناسب با این هدف‌ها، کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت به 2/9 درصد در انتهای این برنامه و ابتدای برنامه توسعه بعدی، از طریق اثرگذاری آگاهانه و برنامه‌ریزی شده بر متغیر باروری به عنوان عمده‌ترین هدف جمعیتی این برنامه، در نظر گرفته شده‌است.

به منظور نیل به این هدف، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان مجری این سیاست موظف است با همه توان و امکانات خود، به طور متوسط 24 درصد از زنان و مادران واقع در مقاطع سنی بالقوه باروری را طی سال‌های 68-1372 تحت پوشش برنامه تنظیم خانواده قرار دهد تا از تولید یک میلیون مولود ناخواسته در طول این برنامه جلوگیری شود. از این دیدگاه، اولویت با آن قسم از نواحی، مناطق جغرافیایی و قشرهای اجتماعی کشور خواهدبود که از باروری ناخواسته و غالباً در حد بیولوژیک، زیان‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری دیده‌اند.¹

در برنامه یادشده، برای کاهش باروری عمومی و نرخ رشد طبیعی جمعیت، راهکارهای زیر پیشنهاد شده‌است:

«تحقق این هدف‌ها، علاوه بر فعالیت‌های واحد اجرایی تنظیم خانواده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مستلزم کوشش‌هایی از این قرار است:

- بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه و به‌خصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم
- اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی-اجتماعی جامعه و خانواده

1. «قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، سامانه قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی،
(در نشانی <http://RC.Majlis.ir/fa/law/show/91755>).

- ارتقای سطح سلامت افراد جامعه و کاهش مرگ و میر مادران و کودکان
- لغو کلیه مقررات مشوق رشد جمعیت و اتخاذ تدابیر متناسب با سیاست
تحدید موالید کشور»^۱

در سال 1369، شورایی به نام «شورای تحدید موالید» با تصویب دولت سازمان‌دهی شد و در سال 1370 با ایجاد «اداره کل جمعیت و تنظیم خانواده»، برنامه‌های جمعیتی گسترش یافت. در سال 1372، «قانون تنظیم خانواده و جمعیت» به تصویب «مجلس شورای اسلامی» رسید که ماده اول آن، کلیه امتیازات قانونی را - که برای فرزندان و عائله پیش‌بینی شده بود؛ مانند حق عائله‌مندی، مرخصی بارداری و زایمان و هزینه نگهداری فرزندان کارگران زن در مراکز نگهداری - برای فرزندان چهارم به بعد، اعمال‌نشدنی می‌ساخت و تعرفه جداگانه‌ای برای بیمه آنان در نظر می‌گرفت.^۲

ماده دوم نیز، وزارتخانه‌های «آموزش و پرورش»، «فرهنگ و آموزش عالی»، «بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» و «فرهنگ و ارشاد اسلامی» را مکلف به گنجاندن مطالب آموزشی مربوط به جمعیت و تأمین سلامتی مادران و کودکان در متون درسی، ایجاد واحد درسی «جمعیت و تنظیم خانواده» در همه رشته‌های دانشگاهی، و زمینه‌سازی فرهنگی و هنری برای گسترش برنامه‌ها و پیام‌های تنظیم خانواده می‌کرد. ماده سوم نیز، «سازمان صدا و سیما» را مکلف به ساخت و پخش برنامه‌های آموزشی رادیویی و تلویزیونی در چهارچوب پیام‌های مستقیم و غیر مستقیم، برای بالا بردن آگاهی‌های همگانی می‌کرد.^۳

افزون بر این، در سال‌های 1372 و 1377 و 1387، «هیئت وزیران» برگزاری چند نشست و گردهمایی بین‌المللی در موضوع تنظیم خانواده را

۱. همان.

۲. ر.ک: «قانون تنظیم خانواده و جمعیت»، سامانه قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی،

(در نشانی <http://RC.Majlis.ir/fa/law/show/92239>).

۳. همان.

تصویب کرد.^۱

در حالی که هدف برنامهٔ اوّل توسعه، دستیابی به نرخ رشد جمعیت 2/3 درصدی در پایان سال 1390 بود، آمارگیری جاری جمعیت در سال 1370 نرخ رشد جمعیت را 2/5 درصد نشان داد که در سرشماری سال 1375 به 1/47 درصد و در سرشماری سال 1385 با اندکی افزایش به 1/62 درصد، و در سرشماری سال 1390 با کاهشی آشکار به 1/29 درصد رسید.^۲

آمار نشان می‌دهد «بعد خانوار» که در سال 1365 برابر 5/1 نفر و در سال 1370 برابر 5/2 نفر بوده، در سال 1375 به 4/8 نفر و در سال 1385 به 4 نفر و در سال 1390 به 3/5 نفر کاهش یافته است.^۳ همچنین در سال 1385 تعداد خانواده‌های چهارنفره برتری داشته؛ اما در سال 1390 تعداد خانواده‌های سه‌نفره رو به رشد می‌گذارد و افزایش چشمگیری در تعداد خانواده‌های دونفره (بدون فرزند) دیده می‌شود.^۴

به این ترتیب، در بازهٔ زمانی 25 سالهٔ 1365 تا 1390، ایران موفق‌ترین

۱. ر.ک: سامانهٔ قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی،

«اجازهٔ برگزاری کنفرانس منطقه‌ای تنظیم خانواده در تهران»، (در نشانی <http://RC.Majlis.ir/fa/law/show/114838>؛

«اجازهٔ برگزاری نشست مجمع عمومی منطقه‌ای سالانهٔ فدراسیون بین‌المللی تنظیم خانواده»،

(در نشانی <http://RC.Majlis.ir/fa/law/show/118479>؛

«تصویب‌نامه در خصوص برگزاری گردهمایی بین‌المللی تنظیم خانواده»، (در نشانی <http://RC.Majlis.ir/fa/law/show/135790>).

۲. ر.ک: «سری‌های زمانی جمعیت»، درگاه ملی مرکز آمار ایران، (در نشانی

<http://www.Amar.org.ir/default.aspx?tabid=96&agentType=ViewType&PropertyTypeID=4>.)

۳. همان.

۴. ر.ک: «افزایش طلاق، کاهش بعد خانوار و رشد خانواده‌های تک‌نفره در سرشماری سال

۹۰»، پایگاه تحلیلی-خبری مهرخانه، 1391/6/16،

(در نشانی <http://Mehrkhane.com/fa/news/3631>).

کشور جهان در زمینه مهار جمعیت شمرده شد^۱ و در زمینه کاهش نرخ رشد جمعیت از 3/2 درصد به کمتر از 2 درصد در مدت 15 سال، نمونه‌ای بی‌همتا نام گرفت.^۲

«بخش جمعیت اداره اقتصادی و امور اجتماعی سازمان ملل متحد» در «بازبینی سال 2010 میلادی پیش‌بینی‌های جمعیت جهان» برای جمعیت آینده ایران چهار دورنما پیش‌بینی کرد. در دورنمای نخست که دورنمای باروری بالا بود، پیش‌بینی شده بود که نرخ باروری کلی هر زن از 1/8 فرزند در سال 1390 به 2/5 فرزند در سال 1480 برسد و جمعیت ایران در سال 1430 شمسی، 100 میلیون نفر شود و کم‌وبیش ثابت بماند. در دورنمای دوم که دورنمای باروری ثابت بود، پیش‌بینی شده بود که جمعیت ایران تا سال 1435 افزایش می‌یابد و پس از رسیدن به 94 میلیون نفر، روند کاهشی خود را آغاز می‌کند تا در سال 1480 به 78 میلیون نفر برسد. در دورنمای سوم که دورنمای باروری متوسط بود، پیش‌بینی شده بود که نرخ باروری کلی هر زن از 1/8 فرزند در سال 1390 به 1/5 فرزند در سال 1420 کاهش یابد و جمعیت کشور در آن سال به 86 میلیون نفر و نرخ سال‌خوردگی به 22 درصد جمعیت کل کشور برسد. در دورنمای چهارم که دورنمای باروری پایین بود، پیش‌بینی شده بود که نرخ باروری کلی هر زن از 1/8 فرزند در سال 1390 به یک فرزند در سال 1420 کاهش می‌یابد و نرخ سال‌خوردگی به 25 درصد جمعیت کل کشور می‌رسد و پس از سال 1420 جمعیت کاهش می‌یابد تا

۱. تا کنون، سه تن از شخصیت‌های فعال در این زمینه به دلیل مدیریت موفق و پژوهش‌های جمعیتی، برنده «جایزه جمعیت سازمان ملل متحد» شده‌اند که عبارت‌اند از: دکتر سیدعلی رضا مرندی در سال 1999 میلادی (1378) و دکتر حسین ملک‌افضلی در سال 2007 میلادی (1386) و دکتر محمدجلال عباسی‌شوازی در سال 2011 میلادی (1390).

۲. ر.ک: فریبا ابتهجاس شیرازی، «تنظیم خانواده در ایران، رویکردی سلامت‌نگر به جای جمعیت‌نگر» (گفت‌وگو با دکتر حسین ملک‌افضلی)، ماهنامه پیام زن، ش 156، ص 174؛ شیرین میرزازاده، «ایران پیر می‌شود!» (گفت‌وگو با ماری لادیه-فولادی)، زنان، ش 103، ص 44.

اینکه به نزدیک 31 میلیون نفر می‌رسد و و نرخ سال‌خوردگی، 47 درصد جمعیت کل می‌شود.^۱

از سال 1388 و پس از انتشار دورنماهای جمعیتی سازمان ملل متحد، نگرانی‌ها در میان کارشناسان و مدیران کشور گسترش یافت و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در سه سال گذشته سبب شد که نهادهای رسمی نظام، تلاش‌هایی در این‌باره آغاز کنند.

۱. ناگفته نماند که در متن بالا، تاریخچه تحولات جمعیتی ایران در نظر بوده‌است؛ وگرنه «بخش جمعیت اداره اقتصادی و امور اجتماعی سازمان ملل متحد» در «بازبینی سال 2012 میلادی پیش‌بینی‌های جمعیت جهان» که در ژوئن 2013 میلادی (خردادماه 1392) منتشر کرده، آمار متفاوتی را در چهار دورنما پیش‌بینی کرده‌است. در دورنمای نخست که دورنمای باروری بالاست، پیش‌بینی شده که جمعیت ایران در سال 1429 شمسی (2050 میلادی) به 115 میلیون نفر و در سال 1479 شمسی (2100 میلادی) به 151 میلیون نفر خواهد رسید. در دورنمای دوم که دورنمای باروری ثابت است، پیش‌بینی شده که جمعیت ایران در سال 1429 شمسی (2050 میلادی) به 101 میلیون نفر برسد و پس از اوج خود در سال 1440 شمسی (2061 میلادی) که به 102 میلیون نفر می‌رسد، با آغاز روند کاهشی، در سال 1479 شمسی (2100 میلادی) به 96 میلیون نفر خواهد رسید. در دورنمای سوم که دورنمای باروری متوسط است، پیش‌بینی شده که جمعیت ایران در سال 1429 شمسی (2050 میلادی) به 100 میلیون نفر برسد و پس از اوج خود در سال 1439 شمسی (2060 میلادی) که به 101 میلیون نفر می‌رسد، با آغاز روند کاهشی، در سال 1479 شمسی (2100 میلادی) به 94 میلیون نفر خواهد رسید. در دورنمای چهارم نیز که دورنمای باروری پایین است، پیش‌بینی شده که جمعیت ایران در اوج خود در سال 1422 شمسی (2043 میلادی) به 87 میلیون و 825 هزار نفر می‌رسد و پس از آغاز روند کاهشی، در سال 1429 شمسی (2050 میلادی) به 87 میلیون و 170 هزار نفر و در سال 1479 شمسی (2100 میلادی) به 55 میلیون و 165 هزار نفر خواهد رسید. در این‌باره، ر.ک:

United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division,
 «World Population Prospects: The 2012 Revision - Excel Tables - Population Data»,
 (Address: <http://esa.un.org/unpd/wpp/Excel-Data/Population.htm>).

«شورای عالی انقلاب فرهنگی» در خردادماه 1391 مصوبه «راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی و اقتضائات راهبردی کشور» را تصویب کرد. در ماده دوم که درباره «راهبردهای ملی» است، فرهنگ‌سازی، تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها و قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی، تدوین و ترویج الگوی سبک زندگی متناسب با معیارهای اسلامی، ایجاد و استقرار نظام مدیریت فرابخشی و جامع جمعیت، آمایش مستمر جمعیتی و تدوین سیاست‌های مهاجرتی، و اهتمام به ارتقای کیفی جمعیت از طریق متناسب‌سازی نرخ باروری خانواده‌ها با شرایط و اقتضائات سلامت و معیشت و فرهنگ آنان، آورده شده است.^۱

ماده سوم آن مصوبه، «اقدامات ملی» برای تحقق راهبردهای پیش‌گفته را بیان می‌کند که تهیه طرح جامع تولید و اجرای انواع برنامه‌های آموزشی و پژوهشی و اطلاع‌رسانی، تبیین نظریه جمعیتی اسلام، برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی برای تسهیل ازدواج، و مواردی دیگر را در بر می‌گیرد.^۲ البته در میان اقدامات پیش‌بینی شده به مواردی بر می‌خوریم که خروج موضوعی از حوزه سیاست‌گذاری و ورود به حوزه تقنین و برنامه‌ریزی است که بیرون از وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی به نظر می‌رسد.^۳

۱. ر.ک: «مصوبه 712 جلسه 1391/3/2»، وبگاه دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی،

(در نشانی <http://www.IranCulture.org/fa/simpleView.aspx?provID=1822>).

۲. همان.

۳. مواردی چون درمان رایگان مادر و کودک، اختصاص سبد تغذیه و بهداشت و درمان رایگان به مادران باردار و دارای فرزند زیر دو سال، پوشش کامل بیمه‌ای برای درمان ناباروری‌های اولیه و ثانویه، افزایش مرخصی زایمان مادران به نه ماه و اختصاص مرخصی استحقاقی دو هفته‌ای تولد فرزند به پدر، اجرای کامل طرح آتیه فرزندان، پرداخت هدیه تولد فرزند به مادر به صورت سکه بهار آزادی، دو برابر شدن حق عائله‌مندی، پرداخت پاداش اولاد به صورت ماهیانه و پلکانی، بازنشستگی پیش از موعد مادران دارای سه فرزند و بیشتر، دریافت وام خرید مسکن به میزان دو برابر وام‌های اعطایی بانک مسکن برای خانواده‌های

در همین راستا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز در اسفندماه 1391، لایحه «اصلاح قوانین تنظیم خانواده و جمعیت» را تصویب کردند که در آن محدودیت‌های مقرر در قوانین پیشین لغو شده و مرخصی زایمان مادران به ۹ ماه افزایش یافته بود و پدران نیز از دو هفته مرخصی تشویقی برخوردار می‌شدند؛^۱ اما این مصوبه به دلیل مشخص نبودن منابع مالی اجرای آن، از سوی شورای نگهبان بازگشت داده شد^۲ و هنوز هم قانون نشده است.

در اینجا، توجه به چند نکته مهم است:

یکم. در نگاه نخست، مسئولیت کاهش جمعیت متوجه برنامه‌های جمعیتی و سیاست‌هایی می‌شود که از پایان دهه 1360 با نقش محوری وزارت بهداشت اجرا شد؛ اما آمار نشان می‌دهد که در این باره نباید زیاده‌روی کرد. روند رشد جمعیت که از دهه 1340 کاهش را نشان می‌داد، در سال‌های 1356 تا 1358 بر اثر رویدادهای انقلاب اسلامی اندکی افزایش یافت و سپس تا سال 1363 روند کم‌وبیش ثابتی را پشت سر گذاشت و از سال 1363 روند کاهشی آن دوباره آغاز شد و «نرخ باروری کلی» از 6/9 فرزند در این سال، به 5/5 فرزند در سال 1367 رسید که پیش از اجرای برنامه اول توسعه بود.^۳ تحولات جمعیتی سال 1363 به بعد را می‌توان با آن دسته از

دارای چهار فرزند و بیشتر یا دریافت یک قطعه زمین مسکونی به مساحت 150 تا 200 مترمربع در غیر از کلان‌شهرها، نمونه‌هایی از خروج شورای عالی انقلاب فرهنگی از گستره وظایف خویش است.

۱. «مجلس قانون تنظیم خانواده را لغو کرد»، *روزنامه اطلاعات*، ش 25535، 1391/12/3،
(در نشانی - <http://www.Ettelaat.com/new/index.asp?fname=2013\02\02-21\21-36-24.htm>).

۲. «شورای نگهبان افزایش مرخصی زایمان را رد کرد»، *پایگاه اطلاع‌رسانی رجا (رجانیوز)*،
1392/1/20.

(در نشانی - <http://www.RajaNews.com/detail.asp?id=154517>).

۳. ر.ک: محمدجلال عباسی‌شوازی و عباس عسکری‌ندوشن، «تغییرات خانواده و کاهش

تحولات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی^۱ توضیح داد که پیش از اجرای برنامه‌های رسمی توسعه آغاز شده بودند که بی‌گمان، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه نیز روند آن را شتاب بخشیده‌اند.

دوم. موفقیت نسبی در اصلاح سیاست‌های جمعیتی، وابسته به درگیر شدن جامعه علمی کشور با موضوع جمعیت و بررسی ابعاد آن به عنوان موضوعی میان‌رشته‌ای و دستیابی به هم‌اندیشی نسبی میان کارشناسان و مدیران است که تا کنون به دست نیامده است!

اظهارنظرهای «دکتر احمدی‌نژاد» رئیس‌جمهور وقت، از سال 1385 با تکیه بر اینکه «شعار "دو بچه کافی است" فرمول انقراض یک ملت است!»^۲ و مخالفت تعدادی از نمایندگان مجلس و کارشناسان نهادهای علمی و سیاست‌گذار کشور با سخنان وی^۳ و تغییر سخنانی که پس از مطرح شدن

➔ باروری در ایران، مطالعه موردی استان یزد»، نامه علوم اجتماعی، ش 25، ص 26؛ هادی کافی، «کارشناسی کنترل جمعیت (گفت‌وگو با دکتر محمدجلال عباسی شوازی)»، حوراء، ش 24، ص 33-35؛ «گفت‌وگو با دکتر محمودیان در موضوع کنترل جمعیت و تنظیم خانواده»، حوراء، ش 24، ص 53.

۱. از سال 1363 حمله‌های گسترده عراق به مراکز صنعتی و اقتصادی ایران آغاز شد و فشار اقتصادی جنگ بر مردم شدت گرفت.

۲. ر.ک: «رئیس‌جمهور: شعار "دو بچه کافی است" فرمول انقراض یک ملت است!»، روزنامه خراسان، ش 17735، 1389/10/9، (در نشانی <http://www.khorasannews.com/news.aspx?type=1&year=1389&month=10&day=9&id=1483673>.)

۳. ر.ک: «اختلاف رئیس‌جمهور و مجمع تشخیص مصلحت نظام بر سر لزوم افزایش جمعیت کشور»، خبرآنلاین، 1389/10/14،

(در نشانی <http://www.khabaronline.ir/detail/120924>)؛ «حسن روحانی: هر وقت مشکل بیکاری همین تعداد از جمعیت حل شد، دنبال افزایش جمعیت باشید»، خبرآنلاین، 1389/10/20، (در نشانی <http://www.khabaronline.ir/detail/122231>)؛ «اگر دولت

دیدگاه رهبر معظم انقلاب دیده می‌شود، در کنار پیگیری‌های عمل‌گرایانه نهادهای سیاست‌گذار و قانون‌گذار و جا ماندن جامعه کارشناسی از آنها - که نمود آن را در برگزاری همایش‌های علمی و تدوین مقالات علمی پس از تصویب سیاست‌های مربوط می‌بینیم - نشانگر نبود قاعده‌مندی در اصلاح شیوه کنونی است؛ همین بی‌قاعدگی علمی و نبود جامع‌نگری را در دهه 1360 و آغاز دهه 1370 در پیگیری سیاست‌های مهار جمعیت نیز می‌دیدیم.

سوم. ضعف‌های روشی در بررسی پدیده‌های اجتماعی در کنار دیگر ضعف‌های کنونی جامعه مدیریتی کشور، در واقع این پیام را دارد که جامعه فقاهتی ما در ارتباط موضوع‌شناسانه با جامعه مدیریتی، باید قاعده‌مندتر عمل کند تا از آفت «شتاب‌زدگی در فتوا» در امان بماند. ریزنی روشمند با کارشناسان، افزون بر آنکه احتمال خطا در فتوا را کاهش می‌دهد، به افزایش باور مردم به فتواها می‌انجامد.



الآن می‌تواند نفس بکشد، به دلیل سیاست تنظیم خانواده است»، خبرآنلاین، 1389/11/5،
(در نشانی <http://www.KhabarOnline.ir/detail/125875>)؛ «وقتی رفاه نباشد،
سیاست‌های دستوری برای فرزندآوری راه به جایی نمی‌برد» (گفت‌وگوی مرضیه نوری با
دکتر محمدجلال عباسی شوازی)، وبگاه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، 1390/10/10.

بخش دوم: زمینه‌ها و عوامل مؤثر در تحولات جمعیتی

در بررسی زمینه‌ها و عوامل مؤثر در تحولات جمعیتی ایران، توجّه به چند نکته بایسته است:

یکم. در این بررسی‌ها باید بر رابطه ساختار و عاملیت تأکید کرد. ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در پی پذیراندن شرایط و پیامدهای خود بر فرایند زندگی اجتماعی‌اند؛ اما انسان‌ها نیز همچون فاعلی بااختیار، در کنش و واکنش با شرایط ساختاری، در چهارچوب رفتارهای فردی یا گروهی، تا اندازه‌ای دست به گزینش می‌زنند.

خانواده جدید با کاهش یا افزایش تعداد فرزندان، با تحولاتی ساختاری روبه‌رو می‌شود و با برداشت‌هایی از شرایط جدید، ارزش‌های مورد نظر خویش را با آن می‌آمیزد و سپس روش زندگی خود را بر می‌گزیند؛ از این‌رو، کاهش بُعد خانوار، نه برآمده از جبر ساختاری است و نه گزینشی از سر دل‌خوشی؛ بلکه عملی انتخاب‌گرانه با در نظر گرفتن شرایط ساختاری و فشارهای بیرونی و البته در نظام معنایی متحول‌شونده است. این گزینش، بی‌گمان از سوی ساختارها در تنگنا قرار می‌گیرد؛ اما کنشگران در این داد و ستد می‌توانند تا اندازه‌ای تحولات را دگرگون کنند و شرایط جدیدی بیافرینند. به همین دلیل است که می‌توان انتظار داشت تحولات ساختاری در کشورهای گوناگون، تأثیرات کم‌وبیش متفاوتی را بسته به چگونگی ایستادگی و انتخابگری در هر جامعه، بر جای گذارند.

دوم. برخی از عوامل مؤثر، به تنهایی نمی‌توانند تحولات را توضیح دهند و پس از تنیده‌شدن با دیگر عوامل، تأثیرات خویش را آشکار می‌سازند؛ به بیانی دیگر، ما با شبکه‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی روبه‌رویم که تحولات را شکل می‌دهند و چه بسا، برخی از این عوامل در کشورهای دیگر همراه با شبکه‌ای دیگر، آثار متفاوتی را آشکار کند.

سوم. برشمردن عوامل مؤثر در کاهش جمعیت، ضرورتاً به معنای داوری منفی نسبت به همه آنها نیست؛ چه اینکه برخی از آنها آثار گوناگون مثبت و

منفی بر جای می‌گذارند که کاهش جمعیت، یکی از آنهاست.

چهارم. هدف از شناخت عوامل مؤثر در تحولات جمعیتی، دستیابی به سیاست‌های دقیق‌تر و معادله مدیریت بهینه جمعیت برای آینده، از راه شناخت هر چه بهتر موضوع است. بررسی این عوامل به ما نشان می‌دهد که اکنون نهادهای جمهوری اسلامی، هم‌زمان با تأکید بر تغییر سیاست‌های جمعیتی، بر شاخص‌ها و سیاست‌ها و برنامه‌هایی پافشاری می‌کنند که خود، از عوامل کاهش جمعیت‌اند! تا این دوگانگی و ناسازگاری از میان نرود، تحولی بنیادین در مناسبات جمعیتی پدید نخواهد آمد. از سوی دیگر، کارشناسان خبره باید در بررسی دقیق‌تر این عوامل، سهم تأثیر هر یک را مشخص کنند؛ امری مهم که تا کنون در مطالعات نشان داده نشده است.

پنجم. ما به دلیل دل‌مشغولی‌های خود در حوزه مطالعات جنسیتی و خانواده، بر سهم تحولات جنسی و جنسیتی و خانوادگی تأکید می‌کنیم. روشن است که کارشناسان دیگر حوزه‌ها، شایستگی بیشتری برای دقت نظر در دیگر حوزه‌ها دارند.

در میان عوامل مؤثر بر باروری، هیچ‌کدام همپای «توسعه‌یافتگی»، البته به معنای امروزی و مدرن آن، قرار نمی‌گیرند.^۱ توسعه اقتصادی و اجتماعی بیش از هر چیز، با شهرنشینی و صنعتی شدن و آموزش شناخته می‌شود و نشانگر تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارها، افزایش تحرک اجتماعی زنان، درآمدزایی آسان و تغییر الگوی مصرف، جدایی محیط کار از خانه، گران‌باری نقش‌های مادرانه، و تحولات دیگری است که از مجموعه آنها خردگرایی جدیدی هویدا می‌شود که به کاهش باروری مشروعیت می‌بخشد.

از زمان برپایی «اجلاس بین‌المللی سازمان ملل متحد درباره جمعیت در بُخارست رومانی (1974 میلادی)»، نمایندگان کشورهای در حال توسعه باور

۱. در این باره، ر.ک: محمدتقی ضیایی بیگدلی و صمد کلاتری و محمدباقر علی‌زاده اقدم، «رابطه بین میزان باروری کل با توسعه اقتصادی و اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش

داشته‌اند که توسعه مهم‌ترین روش پیشگیری از باروری است. در «اجلاس بین‌المللی جمعیت و توسعه در قاهره مصر (1994 میلادی)» نیز، توسعه اقتصادی پاسخ‌گو، آموزش و توانمندسازی جایگاه زنان و رسیدگی‌های بهداشتی باکیفیت مانند خدمات تنظیم خانواده، از اصول دستیابی به اهداف جمعیت و توسعه شناخته شد.^۱

بیشتر عواملی که در پی خواهد آمد، در واقع، بیان نمونه‌های توسعه‌یافتگی و چگونگی تأثیر آن در باروری است؛ این عوامل را در سه دسته عوامل فرهنگی، عوامل اقتصادی، و عوامل اجتماعی بررسی می‌کنیم.

1. عوامل فرهنگی

هم‌اکنون، «خانواده کوچک» برای زوج‌های جوان به یک آرمان تبدیل شده‌است. مطالعات نشان می‌دهد هر چه تراز رفاه اقتصادی و درآمد، جایگاه اجتماعی و تحصیلات و شهرنشینی بالاتر باشد، گرایش به فرزندآوری کمتر می‌شود.^۲ موارد زیر می‌تواند نمونه‌های تحولات فرهنگی مؤثر در باروری را تا اندازه‌ای توضیح دهد.

1-1. تحولات هویتی

تصوّراتی را که هر کس از خویش به عنوان یک شخص دارد، «هویت شخصی» می‌نامند؛ چنان‌که تصوّر را که هر کس از خویش به عنوان یک زن یا مرد دارد، «هویت جنسی» نام می‌نهند. این تصوّرات که همراه با انتظارات و ارزش‌گذاری‌هاست، در بستر زمان تحول یافته‌است.^۳

شاید بتوان مهم‌ترین عنصر در هویت تحول‌یافته بشر امروز را «فردگرایی» دانست. اگر در گذشته، مصلحت‌های اجتماعی پُرنسنگ دیده و منفعت‌های

۱. آرتور هاوپت و تامس تی. کین، راهنمای جمعیت.

۲. بروس جی. کوئن، درآمدی به جامعه‌شناسی، ص 216.

۳. برای آشنایی بیشتر با تحولات ارزشی پس از دهه 1360، رک: فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضاد (کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران).

فردی در دامان آن پیگیری می‌شد، هم‌اکنون شادکامی فردی مناسبات و فرایندهای اجتماعی را تعیین می‌کند. در نگاه فردگرایانه، زندگی فرد از آن خودِ اوست؛ نه برای جامعه و نه برای خداوند! بنابراین، می‌تواند آن‌گونه که می‌خواهد و می‌پسندد، رفتار کند. در این نگاه، عقل تنها ابزاری برای برآورده‌شدن خواسته‌های فردی است و اخلاق و آرمان‌های اجتماعی باید خود را با خواسته‌های افراد همراه کنند. چیرگی این گفتمان، شکل‌گیری هویت شخصی و گروهی بر پایه خواسته‌های فردگرایانه را در پی داشته و بیشترین تأثیر خود را در هویت جنسی و مناسبات خانوادگی و پیدایش سبک زندگی مصرفی بر جای گذاشته‌است.

در تصوّر مردانه در گذشته، احساس مسئولیت نسبت به اقتصاد خانواده، احساس وابستگی به خاندان، حقّ اعمال زور در خانواده، افتخار به عائله‌مندی و پُرفرزدی، و دل‌بستگی به خانواده دیده می‌شد. در تصویر مردانه در نسل کنونی، چشمداشتِ همکاری اقتصادی از همسر، خواسته‌های فردگرایانه و کاهش وابستگی به خانواده و خاندان، و کاهش گرایش به اعمال مدیریت را می‌توان دید. در این حال، مرد گرایش کمتری به پذیرش فرزندانِ بیشتر دارد و با تعداد عائله، هویت‌یابی و هویت‌نمایی نمی‌کند.

از سوی دیگر، اگر در گذشته، زن با فرزندانش ارزش می‌یافت و دل‌بستگی اصلی‌اش به خانه و خانواده بود و تحرّک اجتماعی را برای خود مهمّ نمی‌شمرد و خویش را پیرو تصمیمات شوهر می‌دانست و الگوی تمایز نقش‌ها را می‌پذیرفت و خواسته‌های اقتصادی کمتری داشت، هم‌اکنون با تحصیلات و کار هویت‌نمایی می‌کند و ارزش‌های اجتماعی و تحرّک اجتماعی برای وی جایگاهی برتر و مهم‌تر از خانه و خانواده می‌یابد^۱ و استانداردهای بدن و

۱. «آنتونیو پینلی» در مطالعات آماری خویش درباره متغیرهایی که در رفتار جمعی جدید در اروپا اثر می‌گذارند، میان تحولات خانواده و اهمیّت یافتن جنبه‌های غیر ازدواجی کیفیت زندگی مانند استقلال اقتصادی و مناصب سیاسی زنان، رابطه معناداری دیده‌است. در این باره، ر.ک: مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات (اقتصاد، جامعه و فرهنگ)، ج ۲، ص ۱۹۷.

رعایت تناسب اندام را مهم می‌داند و کمتر از گذشته پیرو تصمیمات مرد، به‌ویژه تصمیم‌گیری دربارهٔ فرزندآوری است و چون بیش از مرد سختی فرزندآوری را بر دوش دارد، تصمیم‌گیری دربارهٔ آن را حق خویش می‌شمارد و کمتر از گذشته، خود را با مادری تعریف می‌کند.

از دیگر سو، خانواده‌های جدید با مصرف هویت‌سازی و هویت‌نمایی می‌کنند. روشن است که با فراگیری سبک زندگی مصرفی و افزایش مصرف، برای پذیرش فرزندان بیشتری که مصرف دیگر اعضای خانواده را با بحران روبه‌رو می‌کنند، جای کمتری می‌ماند! افزون بر این، در چنین فضایی فرزندآوری هر چه بیشتر، به خوار شدن خانواده‌هایی می‌انجامد که نمی‌توانند در هم‌واردی مصرف، خود را بنمایانند و حتی پدر و مادر هم احساس می‌کنند در حق فرزندان ناب‌خوردار خویش ستم کرده‌اند.

در تابستان 1391 در شهر تهران، روی افراد همسراری که یک فرزند زیر پنج سال دارند، پژوهشی انجام شد که نشان داد 35 درصد از این پدران و مادران، می‌خواهند همان یک فرزند را داشته باشند و نزدیک به 55 درصد بر آن‌اند که دو فرزند داشته باشند و 8 درصد از آنان خواهان سه فرزند و تنها یک درصد خواستار بیش از سه فرزند هستند.¹ هم‌اکنون، خانواده‌ها فرزند نخست را برای گرم شدن زندگی و فرزند دوم را برای تکمیل جنسیت (جور شدن جنس) فرزندان می‌خواهند و نسبت به فرزندان بیشتر گرایش ندارند.²

نظام تربیت رسمی و غیر رسمی سهم بسیار مؤثری در تحولات هویتی داشته و به فراگیر شدن ارزش‌های مدرن و گفتمان فردگرایانه کمک کرده‌است.

۱. رک: «بیش از یک‌سوم زنان و مردان همسرار دارای یک فرزند زیر پنج سال ساکن تهران، قصد تک‌فرزندی دارند»، وبگاه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه،

(در نشانی

۲. هادی کافی، «کارشناسی کنترل جمعیت (گفت‌وگو با دکتر محمدجلال عباسی‌شواری)»،

حوراء، ش 24، ص 34.

آمارها نشان می‌دهد که در سال 1345، 29/4 درصد از جمعیت کشور باسواد بوده‌اند و تنها 4/5 درصد دیپلم متوسطه داشته‌اند. نرخ باسوادی در سال 1355 به 47/5 درصد رسید که باسوادی مردان و زنان به ترتیب، 85/9 درصد و 35/5 درصد بود. در سال 1385 نرخ باسوادی به 84/6 درصد رسید که مردان 88/7 درصد و زنان 80/3 درصد را از آن خود کردند. در آخرین سرشماری در سال 1390، نرخ باسوادی به 84/7 درصد رسید و سهم باسوادی مردان و زنان به ترتیب، 88/4 درصد و 81/1 درصد شد. به این ترتیب، اختلاف باسوادی زنان و مردان که در سال 1355 برابر 50/4 درصد بود، در سال 1385 به 8/4 درصد و در سال 1390 به 7/3 درصد رسیده و روشن است که شکاف تحصیلی زنان و مردان، به شدت کاهش یافته‌است.^۱

گسترش آموزش عالی به‌ویژه برای زنان، افزون بر بالا بردن سن ازدواج، به شکل‌گیری هویت‌های جدید برای زنان و پدیدآمدن ارزش‌های نو در مناسبات خانوادگی انجامیده و رفتارهای زناشویی را دگرگون کرده‌است.^۲ برخی پژوهش‌ها نشان داده زوج‌هایی که در محیط شهری پرورش یافته‌اند و از تحصیلات بالاتری برخوردارند و زنانی که در سن‌های بالاتر ازدواج می‌کنند، هماهنگی بیشتری با الگوهای مُدرن باروری از خود نشان می‌دهند و با احتمال

۱. ر.ک: «سری‌های زمانی جمعیت»، درگاه ملی مرکز آمار ایران،

(در نشانی

<http://www.Amar.org.ir/default.aspx?tabid=96&agentType=ViewType&PropertyTypeID=4>؛)

«آمار اشتغال و تحصیل و ازدواج در سرشماری سال 1345»، سایت تحلیلی خبری عصر ایران، 1391/3/9،

(در نشانی <http://www.AsrIran.com/fa/news/216903>)؛ «جمعیت باسواد کشور در سه دهه گذشته»، سایت تحلیلی خبری عصر ایران، 1388/11/14، (در نشانی <http://www.AsrIran.com/fa/news/99535>).

۲. در این باره، ر.ک: باقر ساروخانی و مریم رفعت‌جاه، «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، ش 2، ص 133-160.

بیشتری، پیش از نخستین بارداری خویش روش‌های پیشگیری را به کار برده‌اند و امروزه نیز، فرزندان کمتری را برای هر زوج کافی می‌دانند.^۱

بازنمایی تصویر زن و مرد و خانواده در رسانه‌های جدید نیز، از عوامل تأثیرگذار در تحولات هویتی و تحول در بُعد خانوار است. خانواده‌های بدون فرزند اما خوشبخت و خانواده‌های مصرفی و بدون نگرانی اقتصادی از یک سو، و خانواده‌های پُرفرزند و آشفته و پُراختلاف از سوی دیگر، تصویر این سالیان خانواده در سینما و تلویزیون بوده‌است. با اینکه دربارهٔ رابطه میان مصرف رسانه‌های فرهنگی مدرن و گرایش به باروری، پژوهش‌های درخوری دیده نمی‌شود، می‌توان گمان برد که رشد مصرف رسانه در ایران - که به گسترش ارزش‌های جدید می‌انجامد - در کاهش گرایش به باروری مؤثر بوده‌است.

با تأثیر شگرفی که نظام تربیت رسمی و رسانه‌های نو در پیدایش ارزش‌های جدید مربوط به باروری داشته‌اند، نباید سهم تأثیر ساختارهای اقتصادی در تحولات هویتی و ارزش‌های نوپدید را نادیده انگاشت. گسترش کارهای خدماتی و ارتباطی، به افزایش حضور زنان در این کارها می‌انجامد و به دنبال آن، داشتن درآمد اقتصادی و حضور در عرصه‌های اجتماعی جدید به تحول در خودآگاهی زنان، چیرگی ارزش‌های غیر خانوادگی زندگی اجتماعی بر ارزش‌های خانوادگی، و تحولات هویتی در آنان می‌انجامد؛ بنابراین، پیامدهای حضور زنان در محیط‌های کاری دور از خانه و تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها دست به دست هم می‌دهند تا از گرایش به فرزندآوری بکاهند.

۱. این پژوهش نشان داده‌است در حالی که زنان بی‌سواد به‌طور میانگین، 3/9 فرزند را هنگام ازدواج، مطلوب دانسته و نزدیک به 6/2 فرزند زنده به دنیا آورده‌اند، زنان دارای تحصیلات دانشگاهی به‌طور میانگین، 2/2 فرزند را هنگام ازدواج، مطلوب دانسته و 1/7 فرزند زنده به دنیا آورده‌اند. در این باره، ر.ک: محمدجلال عباسی‌شوازی و عباس عسکری‌ندوشن، «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران، مطالعه موردی استان یزد»، نامه علوم اجتماعی، ش 25، ص 54-61.

در اینجا گفتنی است که شتاب تحولات هویتی برای زنان و مردان یکسان نبوده است؛ برای نمونه، زن امروز به الگوی تشابه نقش‌ها گراییده و انتظار تقسیم مسئولیت‌های خانگی با همسر را دارد؛ اما مرد امروزی هنوز گرایش کمتری به پذیرش نقش‌های خانگی نشان می‌دهد و این موضوع، با توجه به تحصیلات و کار زنان، گرانباری نقش مادری را برای زنان به ارمغان می‌آورد و از گرایش به فرزندآوری می‌کاهد.

1-2. نگرانی از بی‌ثباتی خانواده

تعداد فرزندان و ثبات خانواده رابطه‌ای دوسویه دارند؛ هم احتمال طلاق در خانواده‌های کم‌جمعیت بیشتر است و هم ناپایداری در زندگی خانوادگی و احساس ناامنی نسبت به آینده، فرزندآوری را به تأخیر می‌اندازد. برخی خانواده‌ها احساس می‌کنند پایداری بایسته برای تولید و پرورش فرزندان را ندارند.^۱

از سال 1379 تا کنون، نسبت ازدواج به طلاق، روند کاهشی داشته و از 12 ازدواج در برابر یک طلاق در سال 1379، به 5/5 در سال 1391 رسیده است؛^۲ بنابراین می‌توان انتظار داشت که ترس از پایداری خانواده، فرزندآوری را بیش از این، به تأخیر اندازد و در نتیجه بُعد خانوار کاهش یابد. بسیاری از زوجها در سالان نخست ازدواج، از شریک زندگی خویش دل‌آسوده نیستند و در حال سنجش همسر و بررسی پایداری زندگی مشترک‌اند؛^۳ پدیده‌ای که چنین پیشینه‌ای نداشته است.

۱. ر.ک: «تحولات جمعیتی ایران و عوامل فرهنگی آن»، پایگاه اطلاع‌رسانی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1391/11/18.

(در نشانی

<http://www.Isca.ac.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=RelatedTopics&ID=51dd611f-806e-49bc-a45f-6d19232a0c79>.)

۲. ر.ک: همان؛ «نگاهی دوباره به طلاق»، حوراء، ش 40 «فراوانی ازدواج و طلاق»، ویگاه سازمان ثبت احوال کشور، (در نشانی‌های

<http://www.SabteAhval.ir/Default.aspx?tabid=4769> و

<http://www.SabteAhval.ir/Default.aspx?tabid=4773>.)

۳. «ترس از طلاق و بی‌اعتمادی به همسر، عامل بی‌رغبتی به داشتن فرزند»، خبرگزاری برنا، 1390/1/16، (در نشانی <http://www.BornaNews.ir/Pages/News-32885.aspx>).

1-3. افزایش نگرانی‌های تربیتی

نگرانی روزافزون پدران و مادران از موفقیت در تربیت فرزندان خویش، به چند عامل باز می‌گردد:

یکم. مفاسد اجتماعی افزایش یافته و احساس می‌شود فرزندان در فضاهای ارتباطی جدید آسیب‌پذیر شده‌اند.

دوم. امر تربیت به دنبال پیچیدگی جوامع جدید، پیچیده شده و در نتیجه، پدران و مادران باید از مهارت کافی برای شناخت پدیده‌ها و رویارویی با مشکلات جدید و نیازمندی‌های نوپدید در تربیت فرزندان برخوردار باشند.

سوم. پیدایش مرجعیت‌های جدید تربیتی مانند نظام آموزشی مدرن و رسانه‌ها که به کنارزدن پدران و مادران و افزایش شکاف نسلی می‌انجامد، توانمندی تربیتی پدران و مادران را کاهش داده‌است.

امروزه، بسیاری از پدران و مادران به این نتیجه رسیده‌اند که برای تربیت درست فرزندان خویش، باید جامعه رزم بر تن کنند و در چند آوردگاه، در برابر رسانه‌ها و فضای اجتماعی و حتی مدرسه، ایستادگی کنند و در این راه، هزینه و باری سنگین را بر دوش کشند. از سوی دیگر، مرجعیت یافتن جامعه کارشناسی مدرن مانند روان‌شناسان و مشاوران خانواده و کارشناسان علوم تربیتی، در کنار آثار مثبت، این پیامد را داشته که با شناساندن استانداردهای تربیتی، خواسته‌های خود را از خانواده‌ها افزایش داده و خودباوری آنان را در انجام دادن مأموریت تربیتی خویش کم کرده‌اند.

2. عوامل اقتصادی

در میان عوامل اقتصادی می‌توان دو عامل زیر را برشمرد:

1-2. پرهزینه شدن فرزند

در گذشته، افزون بر آنکه فرهنگ اقتصادی، گذران زندگی با هزینه کم را ممکن می‌ساخت، فرزندان نیز در سن‌های پایین‌تری به بازار کار روی می‌آوردند و می‌توانستند نیروی کارا و درآمدزا برای خانواده خویش باشند؛ اما امروزه، به درازا کشیده شدن زمان تحصیل - که گاه تا سی سالگی می‌رسد -

همراه با زمان سربازی برای پسران، فرزند را به مصرف‌کننده‌ای هزینه‌بر تبدیل کرده و خانوادهٔ پُرجمعیت را به خطر انداخته‌است.

2-2. بی‌ثباتی اقتصادی

هم‌اکنون، کشور ما دارای بالاترین نرخ تورّم در منطقه و یکی از بالاترین‌ها در مقیاس جهانی است.^۱ بی‌ثباتی اقتصادی برآمده از تورّم و بیکاری -چه سرچشمه گرفته از افزایش جمعیت و نابرابری سرمایه‌گذاری اقتصادی با افراد جویای کار، و چه برآمده از ضعف سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی یا دیگر عوامل باشد- بر زندگی مردم تأثیری آشکار و نمایان می‌گذارد. هم‌اکنون، زادگان دههٔ 1360 سیلی از کارجویان هستند که دولت در ایجاد فرصت کاری برای همهٔ آنان ناکام می‌نماید؛ در این هنگامه، خانواده به این باور می‌رسد که در پشتیبانی از فرزندان بیشتر ناتوان است.

در کنار بی‌ثباتی اقتصادی باید به وضعیت نابسامان بخش غیر دولتی اقتصاد نیز اشاره کرد؛ تعهدات زیادی که قانون در مواردی مانند مرخصی زایمان و شیردهی، بر دوش کارفرمایان بخش خصوصی می‌گذارد، آنان را به قانون‌گریزی و به‌کارگیری افراد بی‌همسر و اخراج زنان همسر دار بر می‌انگیزاند و این زنان احساس می‌کنند که فرزندآوری برایشان خطر اخراج را به همراه دارد.

3. عوامل اجتماعی

نقش عوامل اجتماعی را به‌ویژه در موارد زیر می‌توان مؤثر دانست:

3-1. شهرنشینی

شهرنشینی از 31/4 درصد جمعیت ایران در سال 1335، به 71/4 درصد در

۱. «نهادندان: فشار نقدینگی واحدهای تولیدی 13 برابر شده‌است»، روزنامهٔ جام‌جم،

1392/3/26، ص 4،

(در نشانی: <http://Press.JameJamOnline.ir/?year=1392&Month=3&Day=26>)؛

«تورّم ایران، رتبهٔ چهارم جهان»، سایت تحلیلی خبری عصر ایران، 1392/3/18،

(در نشانی: <http://www.AsrIran.com/fa/news/278332>).

تحولات جمعیتی ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها 33

سال 1390 افزایش یافته است.^۱ مهاجرت از روستاها به شهرها، بیشتر با انگیزه‌های اقتصادی و دسترسی به فرصت‌های کاری و امکانات تحصیلی و اجتماعی انجام می‌شود؛^۲ اما بیشتر مهاجران افراد کم‌درآمدی هستند که ناگزیر در کناره پیرامونی شهرها زندگی می‌کنند. انبوهی جمعیت و گرانی زمین، درآمد کم در کنار هزینه‌های زیاد محیط شهری، فزونی آسیب‌های اجتماعی و اعتیاد در بخش‌های پیرامونی شهرها، و کاشانه‌ها^۳ و خانه‌های کوچک، انگیزه فرزندآوری را در مهاجران کم می‌کند.

از سوی دیگر، شهرنشینی به زنان امکان می‌دهد کار بیرون از خانه بیابند و آزادی بیشتری، پیش و پس از ازدواج داشته باشند. جوانان نیز، بهتر و کامل‌تر از پدران و مادران با محیط شهری هم‌نوایی می‌کنند؛ دگرگونی‌هایی که سبب کاهش توانمندی مادران و به‌ویژه پدران می‌شود و از نقش تربیتی آنان می‌کاهد.^۴

۱. ر.ک: «سری‌های زمانی جمعیت»، درگاه ملی مرکز آمار ایران،

(در نشانی

<http://www.Amar.org.ir/default.aspx?tabid=96&agentType=ViewType&PropertyTypeID=4>.)

۲. برخی کارشناسان تغییر تعادل جمعیت شهری و روستایی را نتیجه سیاست‌های اعمال‌شده می‌دانند. در نگاه آنان، در دو بازه زمانی، نسبت جمعیت شهری و روستایی و کوچ‌نشین دگرگون شده است: در بازه نخست، رضاشاه با هدف‌های سیاسی و برای سامان‌دهی دولت مرکزی توانمند و متمرکز، با اعمال سیاست پافشاری بر ساکن کردن همیشگی قبیله‌ها و ایل‌ها، از جمعیت کوچ‌نشین کشور کاست و بر جمعیت روستایی و شهری افزود؛ در بازه دوم نیز، جمهوری اسلامی از آغاز تا کنون، به دلیل سیاست مدرن برای توسعه همسان و فراگیر کشور، از جمعیت روستایی کاسته و بر جمعیت شهری افزوده است. به این ترتیب، «مرگ روستا» در آینده ایران، دور از انتظار نخواهد بود! با نابودی روستاها، سرمایه‌های ملی برای وارد کردن مواد غذایی و پوشاک و گوشت و فراورده‌های دامی مصرف خواهد شد! در این باره، ر.ک: نقی آزاد ارمکی، بنیان‌های فکری نظریه جامعه ایرانی، ص 483.

3. Apartments.

۴. گی روشه، تغییرات اجتماعی، ص 174.

جمعیت شهرنشین، چه مهاجر و چه غیر مهاجر، گام به گام سبک زندگی مدرن را پیش و بیش از روستاییان فرا می گیرند و به سوی خانواده های کم جمعیت گرایش می یابند. به بیان دیگر، شهرنشینی به رشد طبقه متوسط شهری - یعنی گروهی کم و بیش بارفاه که از تحصیلات در مراکز مدرن آموزشی بهره مند شده و ارزش های مدرن و فردگرایانه را پذیرفته اند - کمک می کند و تحولات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی نیز، از این طبقه به دیگران راه می یابد.

3-2. تحرک اجتماعی زنان

با افزایش گرایش زنان به حضور در عرصه های اجتماعی مانند تحصیلات و کار مدرن - که مهم ترین ویژگی آن، دوری محیط کار از خانه است - فرزندآوری به بازدارنده ای از تحرک اجتماعی تبدیل می شود.^۱ برخی کشورها با شناخت این واقعیت، تلاش هایی را برای کاهش ناسازگاری نقش های مادرانه با نقش های اجتماعی انجام داده اند؛ برای نمونه، در برخی شهرهای انگلستان که دوری میان آموزشگاه ها و کارگاه های زنان با خانه آنان تا 1/5 ساعت می رسد، نهادهایی راه اندازی شده اند که صبحگاه فرزندان را از مادران می گیرند و در این بازه 1/5 ساعته، از فرزندان نگهداری می کنند و سپس آنان را به مدرسه می رسانند و شامگاه از مدرسه می گیرند و تا هنگام بازگشت مادران، نگه می دارند و سپس به مادرانشان می سپارند. پس از بازگشت به خانه هم، پدران و مادران آسوده اند که برنامه های خشن یا غیر اخلاقی در ساعت های آغازین شب که فرزندان بیدارند، پخش نمی شود.

چنین زیرساخت هایی برای کار و تحصیل زنان در ایران فراهم نشده و مادران کارمند و کارگر، افزون بر آنکه آرامش روانی کمتری در محیط کار دارند، به گران باری نقش، به معنای انباشتگی نقش های اجتماعی و خانوادگی هم دچارند. در اینجا، نظام به طور مستقیم یا غیر مستقیم، زنان را به آموزش

۱. برای آشنایی با رابطه کارکردن زنان و تعداد فرزندان، رک: عذرا جاراللهی، «اثر اشتغال زنان کارگر بر تعداد فرزندان»، نامه علوم اجتماعی، ش 7، ص 285-302.

عالی و همکاری‌های اجتماعی و اقتصادی فرا می‌خواند و با این همه، مادری را از آنان انتظار دارد؛ اما نه مهارت‌های جمع میان این دو را به آنان آموخته و نه زیرساخت‌های آن را فراهم کرده‌است!

3-3. تحوّل در ازدواج و طلاق

در پنج دهه گذشته، با بالارفتن سن ازدواج و افزایش تک‌زیستی قطعی در دختران روبه‌رو بوده‌ایم. میانگین سن مردان در نخستین ازدواج خویش، از 24/9 سالگی در سال 1335 به 26/7 در سال 1390 رسیده و میانگین سن دختران در نخستین ازدواج خویش در همین بازه زمانی، از 19 به 23/4 سالگی افزایش یافته‌است^۱ که این افزایش به معنای کاهش بازه احتمال باروری پس از ازدواج است. از سوی دیگر، مطالعات نشان می‌دهد که از سال 1345 تا سال 1370 شتاب افزایش ازدواج بیش از شتاب افزایش جمعیت بوده و از سال 1370 به بعد، این نسبت وارونه شده‌است.^۲

بالارفتن سن ازدواج می‌تواند از افزایش دختران دانش‌آموخته و کاهش گرایش به ازدواج در هنگام تحصیل سرچشمه گرفته باشد؛ چنان‌که می‌تواند برآمده از تغییر نگرش‌ها به ازدواج و اولویت‌زدایی از آن یا آسانی ارتباط‌های بیرون از ازدواج باشد. از سوی دیگر، هسته‌ای شدن خانواده به معنای استقلال مکانی، نیازمند آمادگی‌های مالی بیشتر برای فراهم کردن خانه و زندگی مستقل زوج‌هاست که خود به افزایش سن ازدواج می‌انجامد. افزایش تک‌زیستی قطعی دختران در کنار بالارفتن سن ازدواج و افزایش آمار زنان بیوه و طلاق گرفته می‌تواند کاهش نرخ باروری را توضیح دهد. در پنج دهه گذشته، بالاترین

۱. ر.ک: «سری‌های زمانی جمعیت»، درگاه ملی مرکز آمار ایران،

(در نشانی

<http://www.Amar.org.ir/default.aspx?tabid=96&agentType=ViewType&PropertyTypeID=4.>)

۲. مهدی امانی، «نگاهی به چهل سال تحوّل جمعیت‌شناختی ازدواج در ایران (از 1335 تا

1375)»، نامه علوم اجتماعی، ش 17، ص 35.

نسبت ازدواج به طلاق، در سال 1372 و برابر 15/8 ازدواج در برابر هر طلاق بوده است که در سال 1391 به پایین ترین اندازه خود یعنی 5/5 کاهش یافته است.^۱

آمار نشانگر شتاب رشد خانواده های تک نفره در این سالیان است؛ چنان که تعداد این خانوارها از 5/2 درصد کل خانوارهای ایرانی در سال 1385، به 7/1 درصد در سال 1390 افزایش یافته است^۲ که بخشی از این خانوارها زنان طلاق گرفته و بیوه و بخشی هم دختران تک زیست هستند. نرخ رشد خانواده های تک نفره تا اندازه ای، نمایانگر نرخ رشد تک زیستی های پدید آمده از طلاق و بیوگی و بالارفتن سن ازدواج است.

3-4. سیاست های دولتی

از زمان شکل گیری دولت های مدرن، به مسئولیت دولت در برابر بهداشت و رفاه و آموزش و پرورش همه افراد جامعه توجه شد. با پیدایش دولت رفاه اجتماعی در سال 1945 میلادی، دخالت دولت در این امور افزایش

۱. ر.ک: «سری های زمانی جمعیت»، درگاه ملی مرکز آمار ایران،

(در نشانی

<http://www.Amar.org.ir/default.aspx?tabid=96&agentType=ViewType&PropertyTypeID=4>؛)

«فراوانی ازدواج و طلاق»، وبگاه سازمان ثبت احوال کشور، (در نشانی های

<http://www.SabteAhval.ir/Default.aspx?tabid=4769> و

<http://www.SabteAhval.ir/Default.aspx?tabid=4773>؛)

«بیشترین نسبت ازدواج به طلاق، در سال 72 و کمترین میزان در سال 90 است»، پایگاه

تحلیلی-خبری مهرخانه، 1391/12/23.

(در نشانی <http://Mehrkhane.com/fa/news/5986>).

۲. ر.ک: «گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1390»، درگاه ملی مرکز آمار ایران،

(در نشانی <http://www.Amar.org.ir/default.aspx?tabid=1191>؛)

«افزایش خانواده های تک نفره در کشور!»، سایت خبری تحلیلی تابناک، 1391/5/7.

(در نشانی <http://www.Tabnak.ir/fa/news/261266>).

چشمگیری یافت و دولت‌های رفاهی وظیفه خود دانستند که همه شهروندان را زیر پوشش حمایت اجتماعی قرار دهند. افزایش شبکه‌های بهداشتی دولتی، بیمه و بازنشستگی، آموزش همگانی، فراهم کردن فرصت‌های کاری و مواردی از این دست، تعهدات مالی دولت‌ها را به گونه نگران‌کننده‌ای افزایش داد.

با آنکه افزایش جمعیت به طور طبیعی به افزایش نیروی کار و افزایش مصرف و پویایی اقتصادی کمک می‌کند، صنعتی‌شدن شتابان اقتصاد و ایجاد فضای مجازی برای اقتصاد، نیاز به نیروی کار را کاهش می‌داد و نگرانی از افزایش تعهدات مالی دولت‌ها در زمینه رفاه اجتماعی، این دیدگاه را بیش از پیش مطرح می‌کرد که با سیاست‌های تحدید جمعیت، از فشار خواسته‌های اجتماعی مردم از دولت‌ها کاسته شود و پیشرفت اقتصادی با گسترش سبک زندگی مصرفی پی گرفته شود.^۱

در کشور ما نیز، افزایش زادگان در دهه 1360 و احساس ناتوانی دولت در فراهم کردن فضاهای آموزشی و خدمات بهداشتی و رفاهی، انگیزه دولت را برای اعمال سیاست‌های مهار جمعیت افزایش داد؛ تا آنجا که زنان به فعالیت‌های اجتماعی، و جوانان به ازدواج در سن‌های بالاتر و باروری کمتر تشویق شدند و انواع روش‌ها و ابزارهای پیشگیری از بارداری در دسترس آنان گذاشته شد.

۱. در این باره، ر.ک: مصطفی سمیعی‌نسب و مرتضی ترابی، «شاخص‌ها و سیاست‌های جمعیتی در ایران»، فصلنامه برداشت دوم، ش 11 و 12، ص 167-170.

بخش سوم: وضعیت ویژه کنونی ایران و تصویر آینده

1. وضعیت ویژه ایران

از آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که توسعه‌یافتگی^۱ به معنای فردگرایی و صنعتی‌شدن و شهرنشینی، بیشترین سهم را در تحولات جمعیتی ایران داشته که بخشی از این تحولات، بدون برنامه‌ریزی مستقیم دولت‌ها و بخشی از آن در چهارچوب برنامه‌های توسعه پدید آمده‌است. چنین تحولاتی را بسیاری از کشورهای دیگر هم پشت سر گذاشته‌اند و انتظار می‌رود بیشتر کشورهای جهان در سال‌های آینده، «نرخ باروری کلی» کمتر از «حدّ جایگزینی» (2/1 فرزند) داشته باشند؛^۲ برای نمونه، «بخش جمعیت اداره اقتصادی و امور اجتماعی سازمان ملل متحد» در «بازبینی سال 2012 میلادی پیش‌بینی‌های جمعیت جهان» پیش‌بینی می‌کند «نرخ باروری کلی» جهان که در سال 2005 میلادی برابر 2/6 فرزند بوده، با دورنمای باروری متوسط در سال‌های 2095 تا 2100 میلادی، به 1/99 فرزند خواهد رسید که کمتر از «حدّ جایگزینی» است.^۳

۱. برای آشنایی بیشتر با تأثیر توسعه اقتصادی و اجتماعی بر بی‌ثباتی زندگی خانوادگی، ر.ک: حسین محمودیان و حسام خدامرادی، «بررسی رابطه طلاق و توسعه اقتصادی اجتماعی در شهرستان‌های کشور سال 1385»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ش 23.

۲. ر.ک: محمدجواد محمودی، «تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش رو و لزوم تجدید نظر در سیاست‌های جمعیتی ایران»، *فصلنامه برداشت دوم*، ش 11 و 12، ص 64؛ «آماده‌شدن برای زمستان جمعیت: بحران افزایش جمعیت (جیمز کوربت، گلوبال ریسرچ، 5 مه 2012)»، *سایت خبری تحلیلی سیاست ما*، 1391/2/22، (در نشانی <http://www.SiasateMa.com/vdgr3974ak9y.pra.html>).

3. United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division,
«World Population Prospects: The 2012 Revision - Excel Tables - Fertility Data»,
(Address: <http://esa.un.org/unpd/wpp/Excel-Data/fertility.htm>).

در این میان، مهم است که در حالی که در سه دهه گذشته، «نرخ باروری کلی» در جهان نزدیک به 33 درصد و در جهان اسلام نزدیک به 41 درصد کاهش داشته، «نرخ باروری کلی» در ایران 70 درصد کاهش یافته است!^۱ اکنون، پرسش این است که چگونه می توان شتاب تحولات جمعیتی 25 سال اخیر ایران را -که در میان کشورهای جهان بی مانند است^۲- توضیح داد؟ آن هم در حالی که بعد خانوار در کشورهایی مانند آمریکا -که از نظر صنعتی شدن و توسعه یافتگی، با ایران سنجش ناپذیرند- بیش از ایران است!

در نگاه نخست، شاید بتوان به عامل سیاسی در کاهش نرخ رشد جمعیت ایران اشاره کرد؛ با این توضیح که آهنگ رشد جمعیت در کشورهای مسلمان بیش از کشورهای غربی بوده و این نگرانی را پدید آورده که تا سال 2050 میلادی، جمعیت جهان اسلام بر جهان مسیحیت پیشی خواهد گرفت و زمینه نقش آفرینی بیشتر مسلمانان در عرصه جهانی را فراهم خواهد آورد. آمارهای جهانی نشانگر آن است که سهم اروپا از کل جمعیت جهان که در سال 1960 میلادی نزدیک به 14 درصد بوده، در سال 2005 میلادی به کمتر از 8 درصد رسیده است و این روند همچنان کاهشی است.^۳ افزون بر اینها، اگر ایران را کشوری تأثیرگذار در دیگر کشورهای اسلامی بشماریم که در جهان جدید، آهنگ «اسلام سیاسی» را سر داده و اندیشه های اسلام در صحنه اجتماع را در میان مسلمانان و موج اسلام گرایی را

۱. «ایران در صدر کشورهای مواجه با کاهش باروری/ سرایت پدیده زندگی مجردی به کشورهای مسلمان + آمار(گزارش اندیشکده بلفر از تغییر الگوی جمعیتی در جهان اسلام)»، مشرق نیوز، 1392/1/11، (در نشانی

<http://www.MashreghNews.ir/fa/news/203140>.)

۲. ر.ک: «گفت و گو با دکتر محمودیان در موضوع کنترل جمعیت و تنظیم خانواده»، حوراء، ش 24، ص 53؛ شیرین میرزازاده، «ایران پیر می شود!» (گفت و گو با ماری لادیه- فولادی)، زنان، ش 103، ص 44.

۳. امید حسین خانی، «ساختار جمعیتی اتحادیه اروپا و پیامدهای سیاسی و امنیتی آن»، وبلاگ اتحادیه اروپا، 1390/3/12.

(در نشانی <http://Euro.Blogfa.com/post-1.aspx>.)

در جهان غرب پراکنده ساخته‌است، نگرانی‌ها نمایان‌تر می‌شود. از میان بردن این نگرانی‌ها و مهار این وضعیت، به آن بود که افزایش جمعیت مسلمانان تا جای ممکن مهار شود؛ مسئولیتی که نهادهای بین‌المللی مانند «صندوق جمعیت سازمان ملل متحد»^۱ پی گرفتند و جمهوری اسلامی ایران را به عنوان الگویی از کشورهای اسلامی که در مهار جمعیت بهترین عملکرد را داشت، به کشورهای منطقه شناساندند. از سوی دیگر، در مقیاس داخلی نیز گروه‌های غیر رسمی وابسته به کشورهای واپس‌گرای منطقه، مشوق‌هایی در اختیار برخی اقوام گذاشتند تا تعادل جمعیتی را به سود اقلیت‌ها تغییر دهند تا شاید بتوانند در دهه‌های آینده، به سرنگونی رژیم یا دگرگونی رویکرد انقلابی آن دست یابند.^۲

هر چند می‌توان در مواردی، خشنودی سیاست‌مداران غربی از کاهش جمعیت ایران و دیگر کشورهای اسلامی را یافت و حتی تلاش‌هایی مؤثر در این زمینه را برشمرد؛ اما به نظر می‌رسد درباره تأثیر عوامل سیاسی پیش‌گفته بزرگ‌نمایی شده‌است؛ زیرا تحولات جمعیتی در کشورهای اسلامی بیشتر برآمده از تحولات فرهنگی و اجتماعی است که چند دهه دیرتر از کشورهای غربی در این کشورها نمود یافته و بی‌قاعدگی اجتماعی و اقتصادی نیز به آن دامن زده‌است.

1. United Nations Population Fund.

۲. برای آشنایی بیشتر با عامل سیاسی تحولات جمعیتی، ر.ک: محمدجواد محمودی، «تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش رو و لزوم تجدید نظر در سیاست‌های جمعیتی ایران»، «فصلنامه برداشت دوم»، ش 11 و 12، ص 44-45 «آمریکا چگونه می‌خواهد جمعیت جهان را کنترل کند؟ (آشنایی با دکترین آمریکایی کنترل جمعیت جهان)»، مشرق‌نوز، 1391/11/18، (در نشانی <http://www.MashreghNews.ir/fa/news/185865>)؛ جان کولمن، کمیته 300 کانون توطئه‌های جهانی، ص 26؛ اسماعیل شفیعی سروستانی، «مجموع مخفی»، ماهنامه موعود، ش 137 و 138؛ اسماعیل شفیعی سروستانی، «مجموع مخفی، شورای روابط خارجی (CFR)»، «ماهنامه موعود»، ش 141؛ سرواندو گونزالز، «میلیاردها در خدمت نسل‌کشی»، «ماهنامه سیاحت غرب»، ش 94؛ ابراهیم شفیعی سروستانی، رسانه مکی و تغییر سیاست جمعیتی - مسئله‌شناسی، راهبردها و سیاست‌ها (مجموعه گفت‌وگو)، ص 43-48.

با همین دیدگاه، می‌توان تفاوت نرخ رشد جمعیت اقوام ایرانی با نرخ رشد جمعیت کل ایران را بر پایه عوامل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی توضیح داد؛ برای نمونه، قوم بلوچ بالاترین نرخ رشد جمعیت قومی را در کشور داراست؛ اما آمار نشان می‌دهد که «نرخ باروری کلی» همین قوم بلوچ از 8/4 فرزند در سال 1365 به 4/2 فرزند در سال 1379 رسیده است^۱ و برخی پیمایش‌ها در استان سیستان و بلوچستان نیز نشان داده زنانی که در زمان پیمایش خواهان دو فرزند بوده‌اند، در آغاز ازدواجشان چهار فرزند می‌خواسته‌اند. با این همه، روند رشد جمعیت در استان یادشده هنوز هم بیش از میانگین کشوری است و این تفاوت به گفته برخی کارشناسان، با عواملی فرهنگی و اجتماعی مانند گسترش چندهمسری و افتخار به فرزند بیشتر و نگرش منفی اهل سنت به تحدید نسل، توضیح‌دانی است؛ چنان‌که نبود فرصت‌های کاری برای بانوان به دلیل فقر و ضعف سرمایه‌گذاری اقتصادی، افزایش تعداد زنان خانه‌دار و گرایش آنان به فرزندآوری بیشتر را نشان می‌دهد. با این حال، رشد جمعیت این استان در سالیان گذشته، هماهنگ با همه کشور، روندی رو به کاهش داشته و تنها در دو سال اخیر، به دلیل دریافت یارانه‌های نقدی اندکی افزایش یافته است.^۲ افزون بر این، استان سیستان و بلوچستان کمترین نرخ شهرنشینی در کشور (برابر 49 درصد در سال 1390) را دارا بوده که می‌تواند تا اندازه‌ای بالا بودن رشد جمعیت این استان را توضیح دهد. مهاجرت نیز عاملی مؤثر در رشد جمعیت است؛ در میان اقوام ایرانی، قوم کرد از بالاترین نرخ و قوم بلوچ از پایین‌ترین نرخ مهاجرت در یک دوره ده‌ساله، برخوردار بوده‌اند.^۳

۱. ر.ک: محمدجواد محمودی، «تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش رو و لزوم تجدید نظر در سیاست‌های جمعیتی ایران»، فصلنامه برداشت دوم، ش 11 و 12، ص 48.

۲. «سیستان و بلوچستان پیش‌تاز در رشد جمعیت»، جام‌جم/نلاین، 1390/8/23.

(در نشانی

<http://www1.JameJamOnline.ir/newstext2.aspx?newsnum=100859319100.>)

۳. شهلا کاظمی‌پور، «جمعیت و فرهنگ (با تأکید بر زنان و جوانان)»، وبگاه مؤسسه مطالعات و

پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه،

(در نشانی

نکته‌های پیش گفته، پشتیبان این دیدگاه است که نباید در سیاسی نشان دادن تحولات جمعیتی در ایران بزرگ‌نمایی کرد و بیش از هر چیز، باید در پی عوامل اجتماعی و فرهنگی گشت. به هر حال، به نظر می‌رسد کاهش بی‌مانند رشد جمعیت ایران را می‌توان با دو نکته زیر توضیح داد:

یکم. در ایران عوامل مؤثر در کاهش جمعیت، مانند جنگ و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، تورم افسارگسیخته - که در خاورمیانه رتبه نخست و در جهان رتبه ششم را داراست^۱ - افزایش تحصیلات به‌ویژه برای زنان و تحرک اجتماعی آنان، گسترش شبکه بهداشت و درمان در روستاها و شهرستان‌ها، شتاب گرفتن شهرنشینی، تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه، فراگیر شدن رسانه‌های جدید مانند ویدئو و ماهواره و اینترنت، و دیگر تحولات فرهنگی، کمابیش هم‌زمان با هم رخ داده‌اند؛ تا جایی که به شکلی درهم‌تنیده، آثار ژرف‌تری را بر جای گذاشته‌اند. به این موارد، تبلیغات گسترده تنظیم خانواده و سیاست‌های مهار جمعیت را - که از سوی مسئولان کشور مشروعیت می‌یافت - باید افزود؛ این تبلیغات مشروعیت یافته تأثیر بسزایی در عقلانیت‌بخشیدن به کاهش بُعد خانوار داشت؛ چنان‌که افزایش نرخ ناباروری‌ها که نزدیک به 1/5 برابر میانگین جهانی است، بخشی از کاهش بُعد خانوار را توضیح می‌دهد.^۲

دوم. فضای روانی حاکم بر جامعه ایرانی، احساسی و رقابتی است.^۳ در

➡ http://www.Psri.ac.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=200
(&Itemid=362)

۱. «جدول 12 کشور دارای بالاترین نرخ تورم؛ ششم جهانی و اوّل منطقه برای ایران»، *همشهری آنلاین*، 1391/11/29.

(در نشانی <http://www.HamshahriOnline.ir/details/201871>).

۲. «میزان شیوع ناباروری در کل کشور 20/2 درصد است»، *پایگاه خبری-تحلیلی فرارو*، 1391/2/5.

(در نشانی <http://Fararu.com/fa/news/110618>).

۳. فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضاد(کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران)، ص 207-215.

فضای احساسی، چشم‌وهم‌چشمی‌ها و خودنمایی‌ها بیشتر هویدا می‌شود و آهنگ رقابت در دستیابی به عادت‌های نو زیاد است و مُدها زودتر گسترش می‌یابند؛ از این‌رو، در جامعه‌ما، شتاب تحول در الگوهای سبک زندگی و نمایش مصرف‌گرایی بیش از حد انتظار است و حتی تعیین تعداد فرزندان و زمان فرزندآوری و بازه‌های میان فرزندان نیز، تا اندازه‌ای از همین رقابت‌ها پیروی می‌کند. در این وضعیت، زنان ایرانی با رعایت نکردن بازهٔ میان ازدواج و فرزندآوری یا تعدد فرزند، احساس کوچکی و خواری می‌کنند.^۱

2. تصویر آینده

کاهش نرخ باروری کلی و کاهش بُعد خانوار، ما را با تصویری جدید از خانواده روبه‌رو می‌سازد که پیشینه‌ای ندارد. کاهش رشد جمعیت، گرچه خود به عواملی چون مصرفی شدن، فردگرایی، تحول در ساختارها و کاهش ثبات خانواده باز می‌گردد، می‌تواند همین پیامدها را نیز بر جای گذارد؛ به بیان دیگر، کاهش جمعیت رابطه‌ای دوسویه با پدیده‌های پیش گفته دارد و می‌تواند زمینه‌ای برای مصرفی‌تر شدن سبک زندگی و دوچندان شدن روحیات فردگرایانه فراهم آورد. در اینجا، به تأثیر کاهش جمعیت در ابعادی از خانواده می‌پردازیم که کمتر به آنها پرداخته شده است:

2-1. تحول در الگوهای خانواده

کاهش بُعد خانوار می‌تواند نشانگر کاهش تعداد فرزندان باشد.^۲ فرزندان

۱. به عوامل بالا، باید این نکته را نیز افزود که بر خلاف بسیاری از کشورها، در ایران اطلاعات کامل و درستی به مردم داده نمی‌شود و مراجعه‌کنندگان نسبت به ضررها و خطرهای جسمی و روانی مهار جمعیت و روش‌های پیشگیری توجه نمی‌شوند تا زمینهٔ انتخاب آزاد داشته باشند.

۲. گفتنی است که واژگان «خانوار» و «خانواده» بار معنایی متفاوتی دارند و کاهش بُعد خانوار، ضرورتاً به معنای کم شدن تعداد فرزندان خانواده نیست؛ برای نمونه، یک خانوادهٔ پنج نفره پس از طلاق، تبدیل به دو خانوار سه و دو نفره یا دو خانوار چهار و یک نفره می‌شوند؛

خانواده‌های کم‌جمعیت، جامعه‌پذیری متفاوتی را می‌آموزند؛ زیرا امکانات خانواده بر فرزندان کمتری پخش می‌شود و پدر و مادر با حمایت و توجه بیشتری از آنان نگهداری می‌کنند. محوریت یافتن شادکامی فرزندان، در قانون توجه قرار گرفتن خواسته‌های فرزندان، هزینه‌شدن بیشتر امکانات خانواده برای خشنودی خاطر فرزندان و در نتیجه کاهش بُعد نظارتی پدر و مادر، از ویژگی‌های فرزندسالاری در خانواده است. الگوی تربیتی این خانواده‌ها به فردگرایی نزدیک است؛ اما مدیریت خانواده‌های پُرجمعیت، به دلیل محدودیت امکانات، به انواعی از نظم نیازمند است که نتیجه آن، زندگی‌های موفق است؛ زیرا در این خانواده‌ها فرزندان می‌آموزند که در برابر همدیگر بردباری بورزند و قناعت و از خودگذشتگی پیشه‌کنند و حقوق یکدیگر را پاس بدارند و نظارت و داوری پدر و مادر را بپذیرند. افزون بر اینها، در خانواده‌های پُرجمعیت زمینه بیشتری برای آزمایش هم‌بستگی و همکاری گروهی و چشم‌پوشی و گذشت فراهم می‌شود.^۱ این فرزندان با ورود به اجتماع، آمادگی بیشتری برای رویارویی با ناکامی‌ها و نشان‌دادن هم‌بستگی و سازگاری اجتماعی و توجه به مصلحت‌ها و ارزش‌های گروهی دارند.^۲



بنابراین، کاهش بُعد خانوار همان‌گونه که می‌تواند برآمده از کاهش گرایش به فرزندآوری باشد، می‌تواند نشانگر افزایش طلاق رسمی و غیر رسمی و تبدیل شدن یک خانواده به دو واحد زیستی (خانوار) باشد یا کاهش گرایش به ازدواج و افزایش تک‌زیستی را نشان دهد.
۱. در این باره، ر.ک: بیل مک‌کین، «تأملی درباره خانواده تک‌فرزندی»، *ماهانمه سیاحت غرب*، ش 6، ص 32.

۲. سیاست تک‌فرزندی در کشور چین، این نتیجه را داشته‌است که به یک کودک چینی که تنها نوه دو خانواده است، بسیار توجه می‌شود؛ بیشتر این کودکان چاق و بدون توانمندی و خودباوری‌اند؛ در این باره، ر.ک: «روایت مرندی از مصوبه "خیلی محرمانه" درباره جمعیت/ به فرزندانم گفتم زود بچه‌دار شوند»، *اقتصاد ایران آنلاین*، 1391/9/20.

(در نشانی <http://www.EghtesadeIranOnline.com/vdcb8ab8arhb8fp.uiur.html>).

در خانواده‌های کم‌جمعیت با الگوی تربیتی فردگرایانه، گسست نسلی نیز افزایش می‌یابد و فرزندان آمادگی کمتری دارند که فرهنگ‌ها و سنت‌های پُرازشی را که دستاورد هزاران سال زندگی بشری است، از پدران و مادران و نیاکان خویش دریافت‌کنند؛ زیرا این فرزندان تنها به آینده می‌نگرند و در نتیجه، پیوند میان گذشته و آینده که ضامن پایداری فرهنگ است، سست می‌شود.

تک‌فرزند یا کم‌فرزندی در هویت‌یابی فرزندان از سویی دیگر نیز مؤثر است؛ ارتباطات خویشاوندی با غیر از پدر و مادر، در خانواده‌های کم‌جمعیت کمتر است و بسیاری از این فرزندان، عمو و دایی و خاله و عمه و برادر و خواهر نداشته و چنین ارتباطاتی را نیازموده‌اند. این فرزندان، وقت خود را بیشتر با رسانه‌ها و در فضای مجازی سپری می‌کنند.^۱ نبود هم‌بازی افزون بر آنکه شادابی طبیعی را در این خانواده‌ها کم می‌کند، مرجعیت رسانه‌ها را پُررنگ می‌سازد؛ بنابراین، احتمال بیشتری می‌رود که هویت این فرزندان بر اساس آموزه‌های رسانه‌های مُدرن شکل‌گیرد.

از سوی دیگر، کاهش تعداد فرزندان می‌تواند به افزایش تحرک اجتماعی زنان -که بیشتر با درآمدزایی و استقلال مالی آنان نیز همراه است- بینجامد و چیرگی ارزش‌های اجتماعی غیر خانوادگی را نتیجه دهد. تعهد به قانون‌های بازار کار، مادران کارمند را به این سو می‌راند که مناسبات خانوادگی را با شرایط بازار کار هماهنگ کنند و استقلال مالی زنان نیز به سست شدن الگوی بناشده بر سرپرستی مرد و افزایش اقتدار زن می‌انجامد.

نقش‌های متمایز، خود از عوامل پایداری خانواده‌اند و در خانواده‌های پُرجمعیت، بیشتر احتمال می‌رود که الگوی تقسیم جنسیتی نقش‌ها رعایت شود

۱. ر.ک: «45/8 درصد زنان و مردان قصد دارند یک فرزند داشته باشند»، پایگاه تحلیلی-خبری

مهرخانه، 1391/12/24،

(در نشانی <http://Mehrkhane.com/fa/news/5995>).

و مرد نقش اقتصادی و زن نقش عاطفی را به دوش گیرد؛ فرزندان نیز در این خانواده‌ها -که الگوی جنسیتی نقش‌ها را به‌کار بسته‌اند- آمادگی بیشتری برای پذیرش نقش‌های زنانه و مردانه دارند و صفات جنسیتی را بیشتر نمایان می‌کنند. در برابر، کاهش بُعد خانوار می‌تواند زمینه هموارتری برای گسترش خانواده‌های دمکراتیک با ساختار افقی فراهم‌کند؛ در این خانواده‌ها تقسیم جنسیتی نقش‌ها، بیش از پیش رنگ می‌بازد و از پدر و مادر اقتدارزدایی می‌شود و آنان تنها نقش مشورت و حمایت از فرزندان را انجام می‌دهند.

از سوی دیگر، با افزایش تحرک اجتماعی زنان در کنار سازگاری ویژگی‌های زنانه با کارهای جدید در زمانه ارتباطات، زمینه بیشتری برای بیکاری مردان و روی آوردن آنان به خانه و جابه‌جایی نقش‌های زنانه و مردانه فراهم می‌آید و جامعه آمادگی بیشتری برای پذیرش مردان در نقش‌های زنانه و مادرانه و خانه‌داری مردان در کنار نان‌آوری زنان خواهد یافت. فراگیر شدن خانواده‌های کم جمعیت به گسترش ارزش‌های فردگرایانه می‌انجامد و اگر در گذشته و حال، خانواده پایگاه ایستادگی در برابر ارزش‌های فردگرایانه بوده و هست، در آینده به کانون بازسازی ارزش‌هایی تبدیل خواهد شد که با فضای جامعه ارتباطی و فردی شده سازگاری بیشتری دارد.^۱

2-2. تحول در مناسبات جنسی

برخی کارشناسان غربی به ارتباط میان کاهش بُعد خانواده و اخلاق جنسی

۱. در اینجا، نکته‌ای دیگر گفتنی است: پژوهش‌هایی چند به تأثیر طلاق و ناپایداری خانواده در کاهش بُعد خانوار اشاره کرده‌اند؛ اما کمتر کسی به تأثیر کاهش بُعد خانوار در افزایش طلاق توجه می‌کند! این احتمال می‌رود که کاهش تعداد فرزندان، چه از نظر تأثیر در ساختار خانواده، چه از نظر تأثیر در الگوهای سبک زندگی، چه از نظر افزایش احتمال کارمندی و استقلال مالی زنان و کاسته شدن ترس آنان از آینده، و چه از نظر افزایش زمان‌های آسایش و همدمی بیشتر با رسانه‌های جدید و فراهم شدن فرصت بیشتر برای توجه به «خود»، بتواند در افزایش آمار طلاق مؤثر باشد.

اشاره کرده‌اند؛ «رانلد اینگلهارت»^۱ در این باره چنین می‌گوید:

«هم در جامعه سنتی و هم در جامعه صنعتی، نقش زنان تا حد زیادی محدود به زادن و پروردن کودکان بود؛ دو کارکردی که در شرایط مرگومیر بالای کودکان و پایین بودن امید به زندگی، برای بقای جامعه ضروری بود. در آن زمان، یک زن، چهار یا پنج فرزند به دنیا می‌آورد و بزرگ می‌کرد که این تعداد برای جایگزینی جمعیت ضرورت داشت و زن پس از آن زاد و ولد و پرورش، یحتمل به پایان عمر خویش نزدیک شده بود. برای تشویق زاد و ولد، هنجارهای سیکسی سفت و سختی حاکم بود و روابط جنسی تنها در یک خانواده دو والدینی ناهم جنس میسر بود. امروزه، با مرگومیر بسیار پایین نوزادان و طول عمر بسیار بیشتر، جامعه پَسامُدرن در حال انتقال به سوی هنجارهای سیکسی‌ای است که گستره وسیع‌تری برای ارضای سیکسی فردی و ابراز وجود فردی فراهم می‌کند.»^۲

اگر زمان شور جنسی زنان را از 18 تا 40 سالگی بدانیم، این احتمال می‌رود که بارداری و فرزندآوری و شیردهی و پرورش فرزند، بخشی از انرژی‌های جسمی و روانی زن را هدمندانه مصرف کند و از شور جنسی و خواسته‌های جنسی وی بکاهد؛ در نتیجه، در چنین جامعه‌ای زمینه بیشتری برای حاکم شدن اخلاق جنسی خویشتن‌دارانه فراهم خواهد شد. با اینکه میان کاهش رشد جمعیت و تحولات جنسی در کشورهای غربی از دهه‌های 1960 و 1970 میلادی، هم‌زمانی معناداری دیده می‌شود، اثبات علمی این احتمال، نیازمند پژوهش‌های میدانی دقیقی است که تا کنون انجام نشده است.^۳ اینکه فمینیست‌ها آزاد شدن از بند فرزندآوری را کلید رهایی از

1. Ronald Inglehart.

۲. رانلد اینگلهارت، «جهانی‌شدن و ارزش‌های پَسامُدرن»، راهبرد یاس، ش 6، ص 319.

۳. می‌توان احتمال داد که افزایش شور جنسی زنان در خانواده‌های کم‌جمعیت، به افزایش ارتباط جنسی آنان با همسرانشان بینجامد. در دوره کنونی که محرک‌های جنسی افزایش یافته است، فعال شدن رابطه جنسی زن با همسر خود، به خویشتن‌داری جنسی وی کمک می‌کند.

چیرگی جنسی مردان و دستیابی به آزادی جنسی خویش می‌دانند، می‌تواند تا اندازه‌ای رابطه میان کاهش رشد جمعیت و افزایش آزادی جنسی را نشان‌دهد.

2-3. پیری جمعیت

به گفته جمعیت‌شناسان، ایران با 8/2 درصد جمعیت سالمند، وارد دوره‌ای از سالمندی شده‌است که اگر زمینه‌چینی و بسترسازی شایسته‌ای برای آن انجام نشود، با مدیریت بحران سالمندی روبه‌رو خواهیم شد.^۱ یکی از مسائل پیش رو، آن است که با کاهش تعداد فرزندان، با پدران و مادران سالمندی روبه‌رو می‌شویم که تنها یک یا دو فرزند باید بار نگهداری و تیمار آنان را به دوش کشند و اینجاست که هم هزینه مالی و زمانی نگهداری از سالمندان، به‌ویژه «سالمندان سربار»^۲ برای فرزندان گران‌بار است و هم واسطاری آنان به خانه‌های سالمندان! در این هنگامه، فشار هزینه‌های سالمندی بر دوش دولت‌ها سنگینی خواهد کرد.^۳

کاهش رشد جمعیت به تغییر برابری میان نیروهای کار و سالمندان می‌انجامد. در برخی کشورها، بخشی از مالیات‌هایی که نیروهای کار می‌پردازند، برای تأمین اجتماعی و حقوق بازنشستگی کنار گذاشته می‌شود. با اینکه می‌توان درباره‌ی درستی یا نادرستی سیاست‌های تأمین اجتماعی بحث کرد،

۱. ر.ک: «محمودی: چرا هیچ‌کدام از نامزدهای انتخابات درباره‌ی افزایش جمعیت شعار نمی‌دهند؟ / جمعیت سالمندان ایران، زنانه می‌شود»، خبرآنلاین، 1392/2/1، (در نشانی <http://www.KhabarOnline.ir/detail/288178>).

۲. واژگان «سالمندان سربار» را برای کسانی به‌کار برده‌ایم که در دوران جوانی خویش بیکار بوده یا به هر دلیل، بیمه نشده‌اند و اکنون در زمان سالمندی، از خدمات بیمه و حق بازنشستگی بی‌بهره‌اند.

۳. به گفته‌ی دکتر مشفق، مجری «طرح مطالعه تطبیقی سیاست‌های مرتبط با سالمندی جمعیت»، ایران برای رویارویی با بحران سالمندی، تنها بیست سال فرصت برنامه‌ریزی دارد! در این باره، ر.ک: «محمودی: چرا هیچ‌کدام از نامزدهای انتخابات درباره‌ی افزایش جمعیت شعار نمی‌دهند؟ / جمعیت سالمندان ایران، زنانه می‌شود»، خبرآنلاین، 1392/2/1، (در نشانی <http://www.KhabarOnline.ir/detail/288178>).

امروزه تأمین اجتماعی به یکی از خواسته‌های مهم اجتماعی تبدیل شده که کمتر کسی ضرورت آن را نادیده می‌گیرد.

کشور ژاپن در هنگامه رشد شتابان جمعیت خود در سال 1965 میلادی، در برابر هر 9 نفر نیروی کار، یک سالمند داشت؛ اما در سال 2050 میلادی، در برابر هر یک نفر نیروی کار، یک نفر بازنشسته خواهدداشت و این بدان معناست که هر نفر کارمند، باید هزینه زندگی یک سالمند را تأمین کند؛ حال آنکه در گذشته، این هزینه بر 9 نفر تقسیم می‌شد! به‌هم‌خوردن این برابری سبب می‌شود که دولت‌ها ناچار شوند بخشی مهم از درآمدهای خود را برای حمایت از سالمندان هزینه‌کنند؛ چنان‌که ژاپن در سال 2012 میلادی، نزدیک به 29 درصد از بودجه 1/12 تریلیون دلاری خود را برای حمایت از سالمندان و مستمری‌بگیران هزینه کرد.¹

در این میان، سالمندان روستایی با مشکلات بیشتری روبه‌رو می‌شوند؛ زیرا از یک سو، فرزندانشان به شهرها مهاجرت کرده‌اند و از سوی دیگر، دسترسی کمتری به خانه‌های سالمندان و به پزشکان متخصص بیماری‌های سالمندان دارند. افزایش خانه‌های سالمندان، خود گامی برای کاهش ارتباط سالمندان با نسل آینده و افزایش شکاف نسلی است.² افزون بر اینها، پیری جمعیت در حوزه اقتصاد نیز مؤثر است و به کاهش نرخ پس‌انداز و افت بازار املاک و سهام می‌انجامد.³

پیری جمعیت آثار اجتماعی و سیاسی هم دارد. جوانان سرچشمه تحرک و شادابی اجتماعی و سرشار از نوآوری و آرمان‌گرایی‌اند؛ در حالی که سالمندی همراه با پُرنرنگ‌شدن روحیات محافظه‌کارانه است؛ از این‌رو، جمعیت جوان

۱. رک: «آماده‌شدن برای زمستان جمعیت: بحران افزایش جمعیت (جیمز کوریت، گلوبال ریسرچ، 5 مه 2012)،» سایت خبری تحلیلی سیاست ما، 1391/2/22، (در نشانی <http://www.SiasateMa.com/vdcgr3974ak9y.pra.html>).

۲. تقی آزاد ارمکی، «آینده خانواده ایرانی با کارگزاری نسلی»، آینده‌پژوهی مسائل خانواده، ص 79.

۳. همان.

کشور، عامل پیشرفت علمی و اجتماعی و فرهنگی است و اگر پیوند اجتماعی مردم و حکومت استوار باشد، ضامن امنیت ملی و تأمین‌کننده نیروهای نظامی برای رویارویی با دشمنان خواهد بود. در برابر، با رشد جمعیت کشور، جوانان در سنّ کار که فرصت‌های کاری کافی در اختیار نداشته‌باشند، خود توانی نهفته برای جنبش‌های اجتماعی و سبب سُستی امنیت ملی‌اند.^۱

بخش چهارم: رویکرد دین به موضوع جمعیت

1. مقدمات و قواعد

برای دستیابی به رویکرد دین به موضوع جمعیت، در گام نخست باید آموزه‌های دینی را در چهارچوب برخی مقدمات و قواعد دسته‌بندی کنیم.

1-1. قاعده‌مندی تحولات اجتماعی

در نگاه دینی ما، تحولات اجتماعی قاعده‌مندند و سنت‌های الهی، هم بر جهان طبیعت و هم بر تحولات اجتماعی حاکم‌اند. یکی از این سنت‌ها آن است که انسان و اراده‌های انسانی در تحولات اجتماعی مؤثرند^۲؛ بر همین اساس، باور داریم که باید در مقیاس خُرد و کلان اجتماع برنامه‌ریزی کنیم. آموزه‌هایی که به میانه‌روی اقتصادی و برنامه‌ریزی در زندگی سفارش می‌کنند^۳ و آیاتی از سوره یوسف(ع) که برنامه‌ریزی اقتصادی چهارده‌ساله را به پیامبر خدا نسبت می‌دهند^۴، دلیلی بر این مدّعا هستند.

1-2. سبب‌های غیر مادی

۱. ر.ک: مجتبی عطّارزاده، «پویش امنیتی رشد جمعیت در ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش 5 و 6، ص 63-86.

۲. ر.ک: رد(13)، آیه 11: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ».

۳. ر.ک: محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 17، ص 64، «باب استحباب الاقتصاد و تقدیر المعیشه».

۴. ر.ک: یوسف(12)، آیات 47-48.

در نگاه اسلام، سبب و علت پدیده‌ها تنها در عوامل مادی خلاصه نمی‌شود و روابط گیتی پیچیده‌تر از آن است که در چهارچوب نظریه‌های مادی بگنجد و توضیح یابد؛ برای نمونه:

1. برخی آموزه‌ها ارتباط میان تقوا و گشایش در زندگی و بهره‌مندی از روزی پیش‌بینی نشده را بیان می‌کنند:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۱؛ «و هر که تقوای خدا پیشه کند، [خداوند] برای او راه بُرون‌رفتی [از گرفتاری‌ها] قرار می‌دهد و او را از جایی که نمی‌پندارد، روزی می‌دهد.»

2. برخی آموزه‌ها میان تقوای همگانی و بهره‌مندی از برکات الهی رابطه برقرار می‌کنند:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ»؛^۲ «و اگر اهل آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، هر آینه [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم.»^۳

3. برخی آموزه‌ها به تأثیر استغفار در زیادی نعمت و افزایش توانمندی می‌پردازند:

«وَايَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ»^۴؛ «و ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ سپس به [سوی] او

۱. طلاق (65)، آیات 2-3.

۲. أعراف (7)، آیه 96.

۳. به باور علامه طباطبائی (ره) این آیه نشانگر آن است که گشوده‌شدن درهای برکت، از آثار ایمان‌آوردن اهل همه شهرها و به بیانی دیگر، از آثار ایمان و تقوای جامعه جهانی است و نه بخشی از آن! و تا هنگامی که بخشی از مردم دنیا کافر باشند، فساد از زمین رخت بر نخواهد بست. در این باره، رک: سیدمحمدحسین طباطبائی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج 8، ص 201.

۴. هود (11)، آیه 52؛ و رک: هود (11)، آیه 3؛ نوح (71)، آیات 10-12.

بازگردید تا [برهای] آسمان را بسیار بارنده بر شما فرستد و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید.»

4. برخی آموزه‌ها صدقه را مایه افزونی و ربا را زمینه‌ساز کاهش و نابودی می‌دانند:

«يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ»؛ «خداوند ربا را [کم‌کم] می‌کاهد [و نابود می‌کند] و صدقه‌ها را فزونی می‌بخشد.»

5. برخی آموزه‌ها گناه را زمینه‌ساز فساد و تباهی در دنیا می‌دانند:

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا»؛^۱ «به سبب آنچه دست‌های مردم [از گناهان] فراهم آورده، تباهی در خشکی و دریا پدیدار شد تا [خداوند سزای] بخشی از آنچه را کرده‌اند، به آنان بچشاند.»^۲

6. برخی آموزه‌ها سپاس‌گزاری از نعمت الهی را عامل فزونی و ناسپاسی را زمینه‌ساز عذاب دانسته‌اند:

«لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»؛^۳ «اگر سپاس‌گزاری کنید، هر آینه [نعمت] شما را می‌افزایم و اگر ناسپاسی کنید، همانا عذاب من بسیار سخت است.»

مواردی از این دست، به روشنی یکی از نقاط تمایز الهیات اجتماعی اسلام و ادبیات علوم اجتماعی مُدرن را نشان می‌دهد که از آن می‌توان چنین نتیجه‌گرفت که یکی از مهم‌ترین رویکردهای ما در الگوهای توسعه فرهنگی و

۱. بقره (2)، آیه 276.

۲. روم (30)، آیه 41.

۳. برخی روایات از رابطه میان گناهان و گزندها و مشکلاتی مانند زلزله، قحطی و خشک‌سالی، بیماری‌های واگیردار و ناامنی‌ها سخن گفته‌اند؛ برای توضیح بیشتر درباره این آیه، رک: سیّد محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 16، ص 195-197.

۴. ابراهیم (14)، آیه 7.

اقتصادی و اجتماعی نباشد بر دین، باید افزایش ایمان و تقوای فردی و اجتماعی، و پُررنگ کردن ارزش‌هایی چون احساس مسئولیت همگانی، استغفار، تضرع، سپاس‌گزاری و دیگرگرایی باشد.

1-3. رزاق‌بودن خداوند

در نگاه اسلام خداوند همواره در حال اداره جهان طبیعت و تدبیر مناسبات فردی و اجتماعی است. این آموزه اختیار انسان را نادیده نمی‌گیرد و تأثیر اراده‌های انسانی در تحولات اجتماعی را می‌پذیرد^۱؛ اما خداوند را انجام‌دهنده اراده خویش، چیره بر همه هستی و دخالتگر در آن می‌داند^۲؛ از این‌رو، الگوهای توسعه نباشد بر دین هیچ‌گاه الگوهایی بسته نیستند که همه روابط و علّت‌ها و آثار آنها با دیدگاه‌های مادی برآورد شده و تغییرناپذیر باشند.

یکی از سنت‌های الهی که الگوهای اسلامی توسعه باید بنا بر آن تدوین شوند، رزاق‌بودن خداوند است. خداوند تأمین روزی بندگان را پذیرفته و در برابر، از آنان می‌خواهد که با کلیدهای تلاش و دعا و تضرع و استغفار، درهای روزی را به روی خود بگشایند. تنگی در روزی -که برخی جوامع به آن گرفتار می‌شوند- بیشتر برآمده از ضعف تدبیر، گسترش ستم و تبهکاری‌های

۱. ر.ک: رعد(13)، آیه 11؛ انفال(8)، آیه 53.

۲. علامه طباطبائی (ره) در تفسیر آیه 95 سورة اعراف (ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضُّرُّ وَالْإِسْرَاءُ فَأَخَذْنَاهُم بِغَتَّةٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ) آورده‌است که این آیه به یکی از سنت‌های الهی اشاره می‌کند که اگر امت‌ها پس از گرفتارشدن به سختی‌ها به خود نیابند و زمینه‌های هدایت در آنان اثر نکند، خداوند آنان را دچار سنت استدراج می‌کند؛ یعنی سختی‌ها و کمبودها را می‌ژداید و به آنان نعمت و آسایش می‌بخشد تا گمان‌کنند که همه کارها در گرو سبب‌ها و علّت‌های مادی است و سختی‌ها و آسایش‌ها همه بازی روزگار و طبیعت است؛ نه آزمون الهی! در این هنگامه است که سزاوار عذاب می‌شوند و عذاب الهی ناگهان و بی آنکه بپندارند، بر آنان فرود می‌آید. در این باره، ر.ک: سیدمحمدحسین طباطبائی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج 8، ص 199-201.

اجتماعی، سستی در ارتباط با خداوند^۱، ویرانی طبیعت، برگزیدن الگوهای سبک زندگی اسراف و فردگرایانه، و تنبلی و کم‌کاری است؛ البته گاهی هم تنگی در روزی و سختی در زندگی، آزمایشی الهی و برای افزایش رابطه میان انسان و خداست.^۲ برخی آیات الهی به موضوع روزی‌دهندگی خداوند اشاره کرده‌اند:

«وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ»؛^۳ «و چه بسا جنبنده‌ای که [از ناتوانی] روزی خود را بر نمی‌گیرد؛ خداوند او و شما را روزی می‌دهد.»
 «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»؛^۴ «و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، جز آنکه روزی‌اش بر خداست.»

به گفته علامه طباطبائی (ره) گزاره «عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» و آیاتی دیگر با همین معنا، نشانگر این‌اند که روزی‌دادن به آفریدگان بر خداوند متعال واجب است؛ زیرا روزی‌رسانی به آنها از کارهایی است که تنها ویژه خداست و حقی از سوی آفریدگان بر خداوند متعال است.^۵
 از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که سیاست‌های توسعه‌ای باید با در نظر گرفتن رزاق‌بودن خداوند تدوین شود.^۶

2. آموزه‌های دینی درباره افزایش جمعیت

پس از مقدماتی که گفته شد، به آموزه‌هایی می‌پردازیم که به طور مستقیم، به جمعیت ارتباط دارند و افزایش جمعیت را سفارش می‌کنند. این آموزه‌ها را می‌توان در چند دسته جای داد:

۱. ر.ک: طه (20)، آیه 124.

۲. ر.ک: بقره (2)، آیه 155؛ أنعام (6)، آیه 42.

۳. عنکبوت (29)، آیه 60.

۴. هود (11)، آیه 6؛ و ر.ک: شوری (42)، آیه 19؛ ذاریات (51)، آیات 22-23.

۵. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 10، ص 148-149.

۶. برای نمونه، نباید به بهانه کمبود منابع اقتصادی، سیاست تحدید نسل را پی گرفت.

دسته نخست. آموزه‌هایی که با آگاهی‌دادن به رزاق‌بودن خداوند، نگرانی از فرزندآوری را می‌زدایند:

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ»^۱؛ «و فرزندانتان را از بیم تنگ‌دستی نکشید؛ ما آنان و شما را روزی می‌دهیم.»

این آیه و متون همسان آن، درباره سقط جنین و فرزندکشی است؛ اما علتی که برای آن آورده شده، یعنی رزاق‌بودن خداوند، نسبت به همه انسان‌ها عمومیت دارد. البته از این آیه نمی‌توان تشویق به فرزندآوری را برداشت کرد؛ اما می‌توان دریافت که ترس از نداری و تنگ‌دستی نباید بازدارنده از فرزندآوری باشد.

«بکر بن صالح» می‌گوید: «به امام موسی بن جعفر (ع) نوشتم که من پنج سال است که از فرزندآوری خودداری می‌کنم؛ زیرا همسر من آن را نمی‌پسندد و می‌گوید: "به دلیل کم‌چیزی، پرورش آنان بر من سخت است!" نظر شما چیست؟» امام (ع) در پاسخ به من نوشتند: «فرزند بیاور که خداوند عزوجل آنان را روزی می‌دهد.»^۲

امام صادق (ع) فرمود: «هر کس ازدواج را از ترس تنگ‌دستی رها کند، به خداوند گمان بد برده است.»^۳

در این حدیث به روشنی سخن از فرزندآوری به میان نیامده؛ اما ترس از تنگ‌دستی هنگام ازدواج، هم درباره هزینه‌های همسر و هم درباره فرزندان پیش می‌آید و امام (ع) این نگرانی را از مخاطب زدوده و او را از برآوردهای

۱. اِسراء (17)، آیه 31؛ و رک: أنعام (6)، آیه 151.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 6، ص 3، ح 7؛ و رک: همان، ص 5، ح 6 و ص 6، ح 9 و ص 48، ح 6.

۳. همان، ج 5، ص 330، ح 1؛ و رک: همان، ح 5. علت بدگمانی به خداوند آن است که در آیه 32 سوره نور اشاره شده که آنان که می‌خواهند ازدواج کنند، اگر تنگ‌دست باشند، خداوند از فضل خویش بی‌نیازشان می‌سازد.

مادی بازداشته‌است. روایتی دیگر، آشکارا به همین موضوع پرداخته‌است:
امام صادق(ع) فرمود: «روزی [ویژه خانواده] همراه با زنان و فرزندان است
[و می‌رسد].»^۱

دسته دوم. روایاتی که بیانگر مباهات پیامبر اسلام(ص) بر دیگر امت‌ها به
دلیل فزونی جمعیت مسلمانان است:

روایتی از امام صادق(ع) رسیده که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «با دوشیزگان
ازدواج کنید ... [و فرزند بیاورید!] آیا نمی‌دانید که من روز قیامت به [جمعیت شما
مسلمانان] حتی به سقط‌شدگان [از شما] بر [دیگر] امت‌ها مباهات می‌کنم؟»^۲
روایتی از امام باقر(ع) رسیده که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «با دوشیزه
فرزندآور ازدواج کنید و با زن خوب زیاروی نازا ازدواج نکنید؛ زیرا من در
روز قیامت به [زیادی] شما [مسلمانان] بر [دیگر] امت‌ها مباهات می‌کنم.»^۳
در این دسته از روایات، به چند نکته باید توجه کرد:

1. پیامبر اکرم(ص) این روایات را زمانی فرموده‌اند که مسلمانان بیشتر در
تنگنای اقتصادی بوده‌اند و گشایش اقتصادی مسلمانان در زمان خلفا و پس از
کشورگشایی سرزمین‌های ثروتمند پیش آمد.^۴

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 5، ص 330، ح 4.

۲. همان، ص 334، ح 1.

۳. همان، ص 333، ح 2؛ و ر.ک: همان، ص 333، ح 1؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل
الشیعه، ج 20، ص 15، ح 24903 و ج 21، ص 358، ح 27293.

۴. در برابر، شاید این احتمال مطرح شود که هر نظام نوپایی مانند اسلام، در آغاز پیدایش خود
سیاست افزایش جمعیت را در پیش می‌گیرد تا استواری و پایداری یابد؛ بنابراین، نباید این
سیاست را که مربوط به بازه زمانی ویژه‌ای است، به دیگر زمان‌ها تعمیم داد! این سخن، در
آغاز پذیرفتنی می‌نماید؛ اما با گزاره‌هایی چون مباهات پیامبر(ص) به دیگر امت‌ها در روز
قیامت و نیز، مباهات به جنین‌های سقط‌شده، چندان سازگاری ندارد؛ از سویی، روایات
انته(ع) در زمان گسترش و چیرگی اسلام نیز، همین معنا را نوید می‌دهد.

2. در این روایات از مطلوب بودن ازدواج یا فرزندآوری سخن رفته است؛ نه مطلوب بودن زیادی فرزند! اما از پایان روایت که درباره هم‌سنجی عددی امت اسلام با دیگر امت‌ها سخن می‌گوید، می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر بودن جمعیت مسلمانان مطلوب است.

3. اطلاق روایات نشان می‌دهد که پیامبر(ص) به همه مسلمانان بر دیگر امت‌ها مباهات می‌کند؛ نه با افراد شایسته! یعنی افراد عادی امت هم در این ارزش‌گذاری شریک‌اند. گزاره «حتی به سقط‌شدگان هم مباهات می‌کنم!» به روشنی نشان می‌دهد که شایستگی کنونی، ملاک مباهات نیست و با توجه به دیگر دلیل‌ها، تنها گروهی را که شاید بتوان از این عمومیت بیرون کرد، گروهی از مسلمانان‌اند که ادعای ایمان می‌کنند؛ اما ایمانشان هیچ سودی برایشان ندارد.¹ حتی مسلمانان گناهکاری که رده‌ای از ایمان را دارا هستند و سرانجام به بهشت خواهندرفت، در روایات این دسته جای می‌گیرند؛ بنابراین، ادعای اینکه مؤمنان گنهگار و آسیب‌دیده اجتماعی مایه مباهات پیامبر(ص) نیستند، هیچ گواهی ندارد.

4. مباهات پیامبر(ص) مربوط به جهان آخرت است؛ چنان‌که برخی روایات به روشنی گفته‌اند: «فرداروز در قیامت، با زیادی [جمعیت] شما بر [دیگر] امت‌ها مباهات می‌کنم!»² بنابراین، میان این دسته از روایات و آیات پرهیزدهنده از مباهات به تکاثر و فزونی‌خواهی فرزندان و خاندان³ -که بیانگر فخرفروشی دنیایی نادانان است- ناسازگاری دیده نمی‌شود. افزون بر آن، مباهات پیامبر(ص) مباهات به مسلمان و مؤمن بر غیر مسلمان و غیر مؤمن

۱. ر.ک: أنعام(6)، آیه 158: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا».

۲. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 21، ص 358، ح 27293.

۳. ر.ک: حدید(57)، آیه 20؛ تکاثر(102)، آیات 1-2.

است؛ نه مباحثات به خاندان و دودمان.

دسته سوم. برخی متون به روشنی، مطلوب بودن زیادی فرزند را بیان کرده‌اند:

از امام صادق(ع) آورده‌اند که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «زیاد فرزند آورید تا فرداروز [در قیامت]، به زیادتی [جمعیت] شما بر [دیگر] امت‌ها چیرگی یابم [و افتخار کنم].»^۱

دسته چهارم. برخی روایات فرزندآوری مسلمانان را به دلیل آنکه زمینه‌ساز تسبیح بیشتر خداوند و زنده کردن یاد اوست، مطلوب می‌دانند:

امام صادق(ع) فرمود: «آنگاه که یوسف(ع) با برادرش [بنیامین] دیدار کرد، [به او] گفت: «ای برادر! پس از [غم جدایی] من، چگونه توانستی با زنان ازدواج کنی؟!» پس [بنیامین] گفت: «همانا پدرم مرا فرمان داد [و] گفت: «اگر بتوانی [کاری کنی که] برای تو فرزندان باشد که زمین را با تسبیح [خداوند] سنگین کنند، چنان کن!»»^۲

روایتی از امام باقر(ع) آمده که رسول خدا(ص) فرمود: «چه چیز مؤمن را از اینکه [همسر و] خانواده‌ای برگزیند، باز می‌دارد؟! امید است خداوند فرزندی به او روزی کند که زمین را با [گفتن] لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سنگین کند.»^۳

در اینجا نیز، توجه به دو نکته مهم است:

1. در این روایات، علت مطلوب بودن فرزندآوری، احتمال پدید آمدن نسلی که لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ یا تسبیح بگویند، بیان شده است؛ نه تحقق بیرونی آن. به بیان دیگر، آنچه برای پدر و مادر امکان‌پذیر است و به آن تکلیف شده‌اند، انگیزه و تلاش برای فرزندآوری و پرورش نسلی با این ویژگی است و همین تلاش در

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 6، ص 2، ح 3.

۲. همان، ج 5، ص 329، ح 4 و ر.ک: محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج 2، ص 183-184، ح 45.

۳. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 20، ص 14، ح 24900.

نزد خداوند مطلوب است و پاداش دارد؛ بنابراین، اگر پدر و مادر با انگیزه به دست آوردن نسلی تسبیح گو فرزند آورند؛ امّا به دلیل عواملی بیرون از اختیار آنان، فرزند چنان ویژگی را نیابد، پدر و مادر وظیفه خویش را به جای آورده اند و پاداش می گیرند. به بیانی دیگر، پیامبر اکرم (ص) می خواهد مردم را به فرزندآوری تشویق کند و این هدف با ایجاد نگرانی از آینده فرزند - که آیا اهل تسبیح خواهد شد یا نه - ناسازگار است.

2. گزاره سنگین کردن زمین به لا إله إلا الله یا تسبیح، می تواند کنایه از فرزند شایسته باشد؛ چنان که می تواند کنایه از فرد مسلمان باشد؛ زیرا هر مسلمانی بی گمان، تهلیل گو و تسبیح گو نیز هست، هر چند گناهکار هم باشد! بدین سان، این روایات با روایات دسته پیشین - با توجه به توضیحی که در پی آن روایات آمد - هم معنا هستند.

دسته پنجم. برخی روایات فرزندان نابالغ و حتی جنین را شفاعتگر پدر و مادر و دارای سود معنوی برای آنان دانسته اند یا برای نگهداری از فرزند پاداش هایی بر شمرده اند:

امام صادق (ع) فرمود: «همانا فرزندان [نابالغ] مسلمانان در نزد خداوند، شفاعتگر و شفاعت پذیرفته شده نام گرفته اند.»^۱

امام علی (ع) درباره بیماری ای که به کودک می رسد، فرمود: «همانا آن [بیماری]، کفّاره ای برای [گناهان] پدر و مادر اوست.»^۲

از مجموع پنج دسته روایات پیش گفته، هم مستحب بودن فرزندآوری و هم مطلوب بودن زیادی فرزند به دست می آید و چنان که گذشت، ترس از تنگ دستی هم این مطلوب بودن را از میان نمی برد.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 6، ص 3، ح 8؛ و ر.ک: محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 21، ص 357-358، ح 27292-27293.

۲. محمد بن علی بن بابویه صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 482 ح 4694.

3. آموزه‌های دینی درباره کاهش جمعیت

در برابر، به آموزه‌هایی می‌پردازیم که شاید از آنها مطلوب بودن کم‌فرزندى برداشت شود؛ این آموزه‌ها هم چند دسته‌اند:

دسته نخست. برخی روایات کم‌شمار بودن افراد خانواده را زمینه‌ساز راحتی می‌دانند:

امام صادق(ع) فرمود: «کمی [افراد] خانواده یکی از دو راحتی است»^۱

این روایت بیانگر راحتی سرپرست خانواده کم‌تعداد است؛ نه مطلوب بودن کمی فرزند؛ از این رو، زبان ارزش‌داورانه ندارد و هیچ امر و نهی‌ای از آن دریافت نمی‌شود و به همین دلیل، نمی‌تواند در برابر روایاتی که به گونه استجابی به فرزندآوری یا زیادی فرزند امر می‌کنند، قرار گیرد.^۲

افزون بر آن، واژه «عیال» در روایت، هر نان‌خوری، چه زن و فرزند و چه میهمان و هم‌خانه و خدمتکار، و حتی حیوان خانگی را در بر می‌گیرد؛ در نتیجه، پیام این روایت عام است و روایات مطلوب بودن فرزندآوری و زیادی فرزند، پیامی خاص دارند که بر آن مقدم می‌شوند. اگر این روایت، مطلوب بودن کم‌فرزندى را -به بیانی که مخالفان افزایش جمعیت ادعا کرده‌اند- نشان می‌داد، گذشته از ناسازگاری با مطلوب بودن زیادی فرزند، با مطلوب بودن اصل فرزندآوری هم ناسازگار بود.

دسته دوم. برخی روایات، در جایگاه نفرین به کافران، برای آنان زیادی فرزند را از خداوند خواسته‌اند:

امام صادق(ع) گفت که رسول خدا(ص) فرمود: «خداوند به محمد(ص) و

۱. همان، ج 4، ص 416، ح 5904.

۲. تنها روایتی که شاید با این روایت ناسازگار باشد، آخرین روایتی است که در دسته نخست آموزه‌های دینی درباره افزایش جمعیت گفته شد؛ در اینجا شاید در نگاه نخست ناسازگاری دیده‌شود؛ اما با کمک دیگر روایات می‌توان میان آنها، به گونه‌ای که در متن بالا آورده‌ایم، جمع کرد.

آل محمد (ص) و به هر که محمد (ص) و آل محمد (ص) را دوست می‌دارد، پاک‌دامنی و بسندگی [و مال به اندازه نیاز] روزی کن و به هر که محمد (ص) و آل محمد (ص) را دشمن می‌دارد، مال و فرزند روزی کن!¹

امام سجّاد (ع) فرمود: «رسول خدا (ص) از نزدیکِ چوپانِ شترانی گذشت؛ پس [کسی را به سوی او] فرستاد تا از او نوشیدنی (شیر) درخواست کند. پس [شتردارِ شیرِ نداد و] گفت: "آن (شیری) که در پستان‌های آن (شتران) است، نوشیدنی صبحگاهانِ قبیله است و آنچه در ظرف‌های ماست، نوشیدنی شبانگاهشان است." پس رسول خدا (ص) فرمود: "خداوند مالش و فرزندانش را افزون کن!" سپس از نزدیکِ چوپانِ گوسفندانی گذشت؛ پس [کسی را به سوی او] فرستاد تا از او نوشیدنی (شیر) درخواست کند. پس [چوپان] آن (شیری) را که در پستان‌های آن (گوسفندان) بود، برای او (پیامبر) دوشید و آنچه را [از پیش] در ظرف خود داشت، در ظرف رسول خدا (ص) ریخت و [شیرها را] همراه با گوسفندی [هدیه] به سوی او (پیامبر) فرستاد و گفت: "این چیزی است که نزد ما بود و اگر دوست داری که بیشتر به تو بدهیم، بیشتر خواهیم داد." پس رسول خدا (ص) فرمود: "خداوند به اندازه نیاز، روزی‌اش کن!" پس برخی از یارانش به او (پیامبر) گفتند: "ای رسول خدا! برای آن که [درخواست] تو را نپذیرفت، دعایی کردی که همه ما آن را دوست داریم و برای آن که نیازت را برآورد، دعایی کردی که همه ما آن را نمی‌پسندیم! [دلیلش چه بود؟]" پس رسول خدا (ص) فرمود: "همانا آنچه کم باشد و [نیاز را] بسنده کند، بهتر از آن است که زیاد باشد و [از یاد خدا] غافل کند؛ خداوند به محمد (ص) و آل محمد (ص) بسندگی [و مال به اندازه نیاز] روزی کن!"²

درباره این دو روایت، توجّه به سه نکته مهمّ است:

1. روایت نخست که برای دشمنان آل محمد (ص) فرزند از خدا می‌خواهد،

1. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 2، ص 140، ح 3.

2. همان، ح 4.

این نکته را می‌رساند که فرزند به خودیِ خود، مطلوب نیست و برای کافران و دشمنان اهل‌بیت(ع) رنج دنیا یا آخرت است و این معنا با مطلوب‌بودن فرزند برای مؤمنان ناسازگاری ندارد.

2. در روایت دوم، شخصی که درخواست پیامبر(ص) را برآورده نکرده، به احتمال زیاد از کافران و دشمنان اهل‌بیت(ع) است و بدین‌سان، معنای روایت دوم مانند روایت نخست خواهد بود؛ یا اینکه آن شخص، به اندازه‌ای در غفلت و خودبینی به سر می‌برد که به عذاب املاء و استدراج دچار شده‌است و فزونی مال و فرزند برای چنین کسی، زمینه‌ای برای فرورفتنِ هر چه بیشتر در گناه است.^۱ در احتمال دوم، روایت هم‌معنا با این آیه است: «[فزونی] مال‌هایشان و فرزندانشان تو را به شگفتی نیاورد؛ جز این نیست که خدا می‌خواهد به وسیله آن در زندگی دنیا عذابشان کند و جان‌هایشان برآید در حالی که آنان کافرند.»^۲ بدین‌سان، این روایت با روایات پیشین ناسازگاری ندارد و گذشته از اینها، روایت دوم به دلیل ضعف سند نمی‌تواند در برابر روایات پیشین قرار گیرد.

3. در هیچ‌یک از این دو روایت، به روشنی از نکوهش فرزند برای مؤمنان یا قناعت در فرزندآوری سخن به میان نیامده و آنچه برای مؤمنان مطلوب شمرده شده، روزی به اندازه نیاز است.

دسته سوم. از برخی آموزه‌های وحیانی چنین به نظر می‌آید که فرزندان زمینه کارگشایی، زیور، فخرفروشی و آزمایش در زندگی دنیایی‌اند و نباید آنان را سرمایه‌ای معنوی و توشه‌ای برای آخرت دانست:

«الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا»^۳؛ «مال و پسران زیور زندگی دنیا هستند و [کارهای] ماندگار شایسته‌تر، از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امیدبستن [به آینده نیز] بهترند.»

۱. ر.ک: أعراف(7)، آیات 182-183؛ قلم(68)، آیات 44-45.

۲. توبه(9)، آیه 55.

۳. کهف(18)، آیه 46.

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»؛^۱ «و بدانید که مال‌های شما و فرزندان شما [وسیله] آزمایش هستند و [بدانید که] خداست که نزدش پاداشی بزرگ است.»

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا»؛^۲ «بدانید که زندگی دنیا [تنها] بازی و سرگرمی و زیور و فخرفروشی در میان شما و افزون‌خواهی در مال‌ها و فرزندان است؛ همانند بارانی که گیاهش کشاورزان را به شگفتی می‌آورد؛ سپس [به پایان رشدش] می‌رسد؛ پس آن را زردرنگ می‌بینی؛ سپس [ناگهان] درهم‌شکسته [و خاشاک] می‌شود.»

«لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ»؛^۳ «خویشاوندان شما و فرزندان‌تان هرگز در روز قیامت سودی به شما نخواهند رساند؛ [روز قیامت، خداوند] میان شما جدایی می‌اندازد.»

درباره این دسته از آموزه‌ها چند نکته به نظر می‌رسد:

1. طبرسی (ره) نویسنده تفسیر مجمع‌البیان آیه اخیر را که بیانگر ازهم‌گسیختگی پیوندها در روز قیامت است، مربوط به گسست پیوند مؤمنان با خویشاوندان کافر خویش می‌داند که بنا بر آن، پیام آیه این است که فرزندان و خویشاوندان کافری که از برای آنان دچار گناه می‌شوید، در قیامت هیچ نسبت و سودی برای شما نخواهند داشت.^۴ علامه طباطبائی (ره) این سخن را از طبرسی (ره) نمی‌پذیرد و پیام آیه را عام می‌داند و بر این باور است که خویشاوندی و نسبت‌ها تنها در زندگی اجتماعی دنیایی دارای آثار است؛^۵ اما

۱. انفال(8)، آیه 28.

۲. حدید(57)، آیه 20.

۳. ممتحنه(60)، آیه 3.

۴. فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج 9، ص 406.

۵. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 19، ص 229.

در تفسیر آیه زیر می‌پذیرد که در بهشت، خداوند بر مؤمنان منت می‌گذارد و برای روشنی چشمشان، فرزندان مؤمنشان را به آنان پیوند می‌دهد.^۱

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ»؛^۲ «و کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان با ایمانی [هر چند ضعیف‌تر] از آنان پیروی کردند، فرزندانشان را [در بهشت] به آنان پیوند می‌دهیم و از [پاداش] کارشان هیچ چیز نمی‌کاهیم»

پس این دسته از آموزه‌ها با تشویق مؤمنان به فرزندآوری و بیان سودهای اخروی آن ناسازگاری ندارد.

2. این بیان که مال و فرزندان زیور زندگی دنیا هستند، برای از میان بردن دل‌بستگی فریبده به مال و فرزند است تا انسان از این دو سو، دچار لغزش و گناه نشود؛ پس میان دل‌بستگی نداشتن به فرزند و تشویق به فرزندآوری ناسازگاری نیست. بنابراین، به مؤمنان چند سفارش شده است: نخست اینکه ازدواج کنند و فرزند بیاورند؛ دوم اینکه در تربیت و پرورش نسلی مؤمن بکوشند؛ و سوم اینکه فرزندان را شریک خداوند نسازند^۳ و دل‌بستگی به فرزند، آنان را به گناه و حرام نکشانند.

3. برخی روایات بیانگر این‌اند که فرزند شایسته از کارهای نیکو و ماندگار است و سبب آموزش پدر و مادر و بالارفتن جایگاه آنان در آخرت می‌شود؛^۴ چنان‌که روایاتی چند، شفاعت کردن فرزندان نابالغ و حتی جنین از پدر و مادر مؤمن خود را مطرح کرده‌اند؛ پس آیات دسته اخیر، مواردی غیر از این مورد را در بر می‌گیرند. بدین‌سان، تشویق مؤمنان به فرزندآوری، به امید آنکه نسلی

۱. همان، ج 19، ص 12.

۲. طور(52)، آیه 21 و ر.ک: غافر(40)، آیه 8. روایاتی از شیعه و سنی با همین معنا نیز رسیده است؛ در این باره، ر.ک: همان، ج 19، ص 15-17.

۳. ر.ک: أعراف(7)، آیات 189-190.

۴. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 2، ص 509، ح 2 و ج 6، ص 3، ح 6 و ج 7، ص 57، ح 4-5.

مؤمن و شایسته داشته باشند، با آیات پیش گفته ناسازگاری ندارد.^۱ از جمع‌بندی و بررسی مجموع آموزه‌ها چنین به دست می‌آید که آموزه‌های دینی به فرزندآوری و افزایش نسل تشویق می‌کنند و نگرانی‌های اقتصادی کاهنده گرایش به فرزندآوری را می‌زدایند؛ البته مطلوب بودن فرزندآوری، نه به دلیل مطلوب بودن خود به خودی فرزند، بلکه به دلیل آثار و نتیجه‌های آن است؛ مانند پایدار ماندن یاد خدا با ایجاد نسلی از انسان‌های مؤمن و پیدایش افرادی شایسته که به خود و خانواده خود سود می‌رسانند.^۲

اگر فرزندآوری و افزایش نسل را مستحب و دارای مصلحت بدانیم، این احتمال پذیرفتنی است که در برخی بازه‌های زمانی یا مکانی بر اثر شرایط ویژه، تحدید نسل هم دارای مصلحت شود؛ چنان‌که احتمال خطر جسمی برای مادر می‌تواند مطلوب بودن فرزندآوری را از میان بردارد. در نتیجه، آنان که از مطلوب بودن فرزندآوری سخن می‌گویند، می‌پذیرند که برخی مصلحت‌ها می‌تواند این مطلوب بودن را از میان بردارد و به بیانی علمی، در اینجا نتیجه تابع قواعد باب تراحم و تقدیم اهم بر مهم است؛ هر چند آنان نگرانی‌های اقتصادی و ترس از تنگ‌دستی را از دسته چنان مصلحت‌هایی نمی‌دانند.

4. حکم اجتماعی اسلام درباره جمعیت

آنچه تا اینجا به دست آمد، بیانگر حکم فرزندآوری برای افراد بود؛ اما اینکه درباره مهار جمعیت، دولت‌ها هم پیرو همین حکم ترجیحی هستند یا نه، سخن دیگری است که با افسوس باید گفت که فقیهان و دانشورانی که فراوان در موضوع جمعیت نوشته‌اند، چندان به آن نپرداخته^۳ و تنها به گفتن این نکته

۱. آیاتی از قرآن مانند آیه ۹ سورة منافقون و آیه ۱۴ سورة تغابن نیز، به احتمال اینکه فرزندان پدر و مادر مؤمن خود را گمراه‌کنند، اشاره کرده‌اند که اصولاً از بحث ما بیرون‌اند.

۲. ر.ک: سیدمحمدحسین طباطبائی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، ص ۲۱۴.

۳. در این میان، اثر آیت‌الله سیدمحمدحسین حسینی‌تهرانی (ره) با عنوان *رساله نکاحیه* (کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر بیکر مسلمین) که در آغاز دهه ۱۳۷۰ نگارش یافت، می‌تواند

بسندۀ کرده‌اند که اگر حاکم اسلامی تشخیص دهد که مصلحت جامعه‌ای در سیاست مہار جمعیت است، می‌تواند به مہار جمعیت حکم کند.^۱

حال آنکہ پرسش اصلی این است: آیا تشخیص حاکم اسلامی از قاعدہ‌مندی علمی ویژہ‌ای پیروی می‌کند یا آنکہ تدبیر شئونات اسلامی بر اساس مصلحت‌سنجی عرفی ہم امکان‌پذیر است؟ به بیانی دیگر، دربارهٔ نگاه دینی به موضوع جمعیت، درست آنجا کہ سخن از مقیاس کلان و حکومتی به میان می‌آید، پروندۂ بحث‌های فقہی بستہ می‌شود و ہمین کاستی، فضا را برای حاکم شدن نظرهای غیر کارشناسی یا غیر قاعدہ‌مند و عُرِف‌زده فراہم می‌کند. در اینجا، تنها به بیان نکاتی دربارهٔ حکم فقہی تحدید جمعیت در مقیاس کلان و راہبردی بسندہ می‌کنیم؛ ہر چند بر این باوریم کہ حکم و سخن پایانی دربارهٔ مطلوب بودن مہار جمعیت در مقیاس حکومتی را نہاد فقاہت باید بیان کند.

یکم. جواز تصرفات حاکم در شئونات جامعہ اسلامی، وابستہ بہ اثبات مصلحت اجتماعی است^۲ و اگر در سیاست‌گذاری‌ها، قانونگذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و در ہنگام اجرا، مصلحت اثبات نشود، حکومت شایستگی دخالت در مال و جان مسلمانان و اعتبارات و شئونات جامعہ اسلامی را ندارد. بہ بیانی دیگر، مردم در امور مربوط بہ خود در غیر از واجبات و محرمات، آزادند و حکومت نمی‌تواند با نبود مصلحتی برتر، آزادی مردم را محدود کند یا در امور و مال و جان آنان تصرف کند؛ از این رو، دخالت حکومت اگر دارای



از موارد استثناء باشد.

۱. در این بارہ، ر.ک: سید محسن خرازی، «کنترل جمعیت و عقیم‌سازی»، فصلنامہ فقہ اہل بیت (ع) (فارسی)، ش 21 و ش 22؛ محمد مؤمن قمی، «سخنی در تنظیم خانوادہ»، فصلنامہ فقہ اہل بیت (ع) (فارسی)، ش 8 و ش 9؛ حسین نوری ہمدانی، «کنترل جمعیت»، فصلنامہ فقہ اہل بیت (ع) (فارسی)، ش 33.

۲. ر.ک: سید روح اللہ خمینی، کتاب البیع، ج 2، ص 654.

مصلحتی الزامی باشد، واجب و اگر دارای مصلحتی غیر الزامی باشد، جایز است و در غیر آن، ممنوع شمرده می‌شود.

دوم. تشخیص مصلحت جامعه اسلامی باید با توجه به حساسیت‌های دینی انجام شود؛ به دیگر سخن، ارزش‌داوری و بیان حکم، شایسته وحی یا عقل عملی است و عُرف عام یا عرف کارشناسی، با اینکه در شناخت و روشن‌شدن موضوع به ما کمک می‌کند، نمی‌تواند نسبت به درستی یا نادرستی حکم، داوری پایانی را انجام‌دهند.^۱

برای نمونه، کارشناسی بهداشت و سلامت می‌تواند وضعیت سلامتِ بارداری را در سن‌های گوناگون بررسی و بیان کند که زایمان در پایین‌تر از این سن یا بالاتر از آن سن، احتمال پیدایش مشکلات برای مادر یا کودک را افزایش می‌دهد؛ اما گفتن اینکه زایمان در آن بازه سنی انجام نشود، هنگامی رواست که احتمال هیچ مصلحتِ روانی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی یا معنوی را ندهیم که تشخیص این موضوع، از توان پزشکان و کارشناسان بهداشت بیرون است؛ بلکه کارشناسان علوم مربوط، باید کارشناسی خود را انجام و نظر دهند؛ آنگاه پس از گردآوری سود و زیان‌ها، از مجموع آنها برآیند گرفته و گفته شود که فرزندآوری در آن بازه سنی پسندیده است یا نه. روشن است که این جمع‌بندی و نرخ‌گذاری برای مصلحت‌ها و مفسده‌ها باید بر اساس حساسیت‌های دینی انجام شود.

سوم. حکومت اسلامی همان‌گونه که نسبت به آبادانی کشور، سلامت همگانی، اقتصاد، محیط‌زیست و دیگر موارد مسئولیت‌هایی دارد، نسبت به بالا بردن وضعیت اعتقادی و اخلاقی و رفتاری جامعه هم مسئول است؛ از این‌رو، در پیش گرفتن سیاست‌هایی که به افزایش حرص و طمع، دنیاگرایی، گسترش اندیشه‌های نادرست، از میان رفتن مرزهای جنسیتی، ناتوان‌سازی کارکردهای

۱. ر.ک: ابوالقاسم علی‌دوست، فقه و مصلحت، ص 92.

ضروری خانواده، تغییر الگوهای تربیتی، کاهش هم‌بستگی اجتماعی، کاهش گرایش به ازدواج، افزایش ناپایداری خانواده و مواردی از این دست می‌انجامد، جایز نیست و نظام اسلامی باید نسبت به پیامدهای اعتقادی و اخلاقی و رفتاری اسناد توسعه‌ای، مطالعاتی دقیق و جامع انجام دهد.

چهارم. برای دستیابی به حکم یک موضوع در مقیاس حکومتی در مسئله‌ای مانند جمعیت، باید گام‌های زیر برداشته شود:

4-1. دستیابی به حکم اولی موضوع در مقیاس خرد

در موضوع بحث -چنان‌که گذشت- حکم اولی فرزندآوری یا زیادی فرزند برای پدر و مادر، مطلوب بودن است؛ هر چند در موارد و شرایطی ویژه مانند به خطر افتادن سلامت مادر یا کودک، مطلوب بودن از میان می‌رود. این حکم در مقیاس خرد، این سوگیری را به حکومت می‌دهد که حکومت حق دخالت برای محدود کردن جمعیت را ندارد، مگر آنکه در گام‌های بعدی بتواند به مصلحت مهم‌تری برای مهار جمعیت دست یابد.

4-2. بررسی پیامدها و آثار رشد جمعیت

در این گام، نگرانی فقیه آن است که آیا پیامدها و آثار رشد جمعیت به گونه‌ای هست که در شرایط کنونی یا آینده، مصلحت افزایش جمعیت را بی‌اثر کند یا نه. در اینجا، همه آثار مثبت و منفی -که از پیامدهای عرفی رشد جمعیت در مقیاس خرد و کلان هستند- باید در نظر گرفته شوند؛ برای نمونه، کارشناسان باید بررسی و بیان کنند که آیا رشد جمعیت است که در زمان کنونی، به نابودی محیط‌زیست، افزایش آسیب‌های اجتماعی، افزایش بیکاری، افزایش بیماری‌های زنان و کودکان و مواردی از این دست می‌انجامد؛ یا آنکه این مشکلات نتیجه نارسایی‌های دیگری هستند که در فرض رشد جمعیت به چشم می‌آیند.

در این گام، پس از بررسی پیامدها و آثار رشد جمعیت، پرسش‌هایی از این دست پیش می‌آید:

- آیا تفاوت نرخ مرگ‌ومیر مادران و نوزادان یا نارسایی‌های کودکان در

زایمان‌های پایین‌تر از 18 یا بالاتر از 35 سالگی، به اندازه‌ای هست که مصلحت فرزندآوری را در آن بازه‌های سنی از میان ببرد و دولت را به درپیش گرفتن سیاست‌های ویژه وادارد؟

- آیا احتمال آسیب‌پذیری اخلاقی و تربیتی فرزندان در دوران جدید که به افزایش نگرانی پدران و مادران می‌انجامد، می‌تواند مصلحت فرزندآوری را بی‌اثر کند یا مطلوب‌بودن زیادی فرزند را از میان بردارد؟
- آیا گران‌باری پدیدآمده از تعدد نقش‌های اجتماعی و خانگی زنان می‌تواند مصلحت فرزندآوری یا زیادی فرزند را بی‌اثر کند؟

3-4. بررسی پیامدها و آثار مهار جمعیت

در گام بعدی باید این موضوع را بررسی کرد که درپیش گرفتن سیاست مهار جمعیت، به فرض آنکه با شیوه‌های درست و مشروع انجام شود، چه آثار و پیامدهایی دارد و با چه گفتمانی در هم تنیده می‌شود. در اینجا نیز، کارشناسان شایسته بحث باید پیامدهای گوناگون را بررسی کنند و نسبت به آنها نظر دهند؛ برای نمونه، باید این پرسش را پاسخ دهند که آیا کاهش رشد جمعیت، با فردگرایی و رشد فرهنگ مادی، تحول در ساختار خانواده، تحول در هویت جنسی، تغییر مناسبات جنسی، افزایش آرامش روانی و سلامت و بهداشت، و مواردی از این دست همراه است یا نه؛ و در فرض اینکه کاهش رشد جمعیت چنین پیامدهایی داشته باشد، هر یک از آثار و پیامدها تا چه اندازه‌ای مصلحت یا مفسده دارد.

در اینجا، به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن مجموع آثار و پیامدهایی که در گام‌های دوم و سوم به دست آورده‌ایم، با سنجشی دینی بتوانیم به پاسخ مسئله و تعیین مصلحت اهم در موضوع جمعیت دست یابیم؛ اما تا تعیین حکم مورد نیاز، سه گام دیگر باید پیموده شود.

4-4. بررسی امکان بازگشت‌پذیری

در اینجا، با بررسی‌های کارشناسانه باید دریافت که موضوع تحدید جمعیت - که به عنوان سیاستی موقت و با توجه به شرایط زمانی و مکانی در نظر گرفته

شده- در فرض درستی آن، جامعه را در وضعیت برگشت پذیر قرار می دهد یا نه؛ برای نمونه، اگر در دهه 1360 باشیم و بخواهیم سیاست تحدید جمعیت را اجرا کنیم، باید با روش های علمی برآورد کنیم که کاهش رشد جمعیت به یک درصد به طور موقت (تا از میان رفتن مشکلات و نارسایی ها کنونی)، بازگشت به رشد بالاتر جمعیت را در وضعیت امکان نگه می دارد یا آن را برگشت ناپذیر می کند.

هم اکنون، این دیدگاه مطرح است که با توجه به تحولات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی که در سه دهه اخیر در ایران روی داده، بازگشت به فضای رشد جمعیت امکان ناپذیر است؛ پس، اگر در دهه 1360 می توانستیم بازگشت ناپذیری وضعیت دهه 1390 را برآورد کنیم، نسبت به مشروعیت اجرای سیاست های تحدید جمعیت به تصویر و تصمیم بهتری می رسیدیم!

4-5. بررسی ظرفیت های راهبردی و مدیریتی

با توجه به بررسی های انجام شده در گام های پیشین، اگر برآوردهای ما نشان دهد که در پیش گرفتن سیاست افزایش جمعیت، به طور کلی به مصلحت جامعه است، باید توان نرم افزاری و سخت افزاری نظام را در هدایت اندیشه ها و انگیزه های همگانی برای افزایش گرایش به فرزندآوری، و همچنین توان نظام در سیاست گذاری، قانونگذاری، برنامه ریزی و مدیریت جامعه پُرجمعیت را سنجیده و دریافت کنیم.

از اینکه فرزندآوری، به طور کلی مطلوب است و مردم نباید غم روزی فرزندان را به دل راه دهند، نمی توان نتیجه گرفت که نظام می تواند جامعه را نسبت به این موضوع، از نظر ذهنی و روانی قانع کند! چه بسا جامعه ای که در دهه های اخیر، تحولات ژرف فرهنگی را پشت سر گذاشته و قدر متیقن های جدیدی در آن شکل گرفته است، نسبت به تبلیغاتی از این دست، واکنش منفی نشان دهد و پافشاری نظام بر موضوع افزایش جمعیت، بر شکاف مردم و حاکمیت بیفزاید؛ چنان که ضعف کارشناسی و مدیریت باید در نظر گرفته و به این پرسش ها پاسخ داده شود: آیا نظام برنامه ریزی و مدیریتی، آمادگی

رویاری اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با جمعیت زیاد کشور و در پیش گرفتن تدبیرهای بایسته برای مدیریت بهیئت آنان را دارد؟ یا در زمانه‌ای که حکومت مسئولیت‌هایی جدید چون تأمین اجتماعی و حمایت از سالمندان، ایجاد فرصت‌های کاری و مهارت‌های اجتماعی زنان و تأمین آنان را به دوش گرفته، آیا می‌توان نگاه بیشینه به جمعیت داشت؟

خلاصه آنکه ناتوانی نظام در تدبیر امور مربوط به جمعیت می‌تواند در تعیین حکم کنونی کاهش یا افزایش جمعیت در مقیاس حکومتی، مؤثر باشد.

4-6. بررسی مشروعیت شیوه‌ها

در گام پایانی، باید دید راه کاهش یا افزایش جمعیت را چه روش‌ها و شیوه‌هایی هموار می‌کنند و کدام‌یک از آنها مشروعیت دارد؟ سودمندی این بررسی در آن است که اگر همه شیوه‌هایی که بر اساس آنها مهار جمعیت به‌دست می‌آید، روش‌هایی حرام یا همراه با حرام باشند، باید نسبت به اصل مهار جمعیت بازنگری کرد و اگر برخی از شیوه‌ها مشروع و برخی نامشروع یا نادرست باشند، می‌توان مهار جمعیت را از راه‌های مشروع آن پی‌گرفت.

برای نمونه، اگر اعمال سیاست مهار جمعیت وابسته به پُررنگ‌کردن روحیات دنیاگرایانه، ساده‌انگاری نسبت به سقط جنین، بالا بردن سن ازدواج، کوتاهی و چشم‌پوشی نسبت به تک‌زیستی و گسترش روابط جنسی آزاد، یا به‌کار بردن برخی روش‌های پیشگیری نامشروع باشد، در اعمال این سیاست درنگ می‌کنیم؛ اما اگر شیوه اعمال سیاست مهار جمعیت از راه افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سیاسی مردم برای همکاری در به‌جای آوردن مسئولیتی واجب و موقت از راه‌های مشروع باشد، آن را پیگیری می‌کنیم.

از آنچه گفته‌شد، می‌توان دریافت که بررسی و بازنمایی دیدگاه دینی در مقیاس کلان و با توجه به مأموریت‌های واجب حاکمیت یا مأموریت‌هایی که به فراخور تحولات زمانه به آن واگذار شده، کاری دقیق و پیچیده است که باید از ساده‌سازی و عرفی‌گرایی درباره آن پرهیز کرد.

نکته دیگر آنکه مطلوب بودن افزایش جمعیت از آموزه‌های دینی دریافت

می‌شود؛ اما این فرض را هم می‌توان دریافت که شرایط ویژه زمانی و مکانی، می‌تواند عناوین دیگری را پیش کشد و مصلحت مهم‌تری بر مصلحت افزایش جمعیت برتری یابد. با توجه به این نکته می‌توان حکم موضوعات در مقیاس حکومتی را تا اندازه‌ای پیرو شرایط زمانی و مکانی دانست؛ به بیانی دیگر، اجتماع ظرف تزامن عناوین گوناگون است.

بخش پنجم: راهبردها

پیش از سخن دربارهٔ راهبردها، نخست باید این پرسش را پاسخ داد: آیا می‌توان روند کاهشی رشد جمعیت را با سیاست‌گذاری و قانونگذاری تغییر داد و به وضعیتی با تعادل جمعیتی دست یافت؟ یا آنکه این روند، با توجه به زمینه‌ها و عوامل آن، بازگشت‌ناپذیر است؟

اگر بر این باور باشیم که توسعه‌یافتگی به معنای پذیرش نگرش‌ها و ارزش‌های مُدرن و شهرنشینی و صنعتی‌شدن، از عوامل اصلی و جهانی کاهش بُعد خانوار است و این دیدگاه را پُررنگ کنیم که چیرگی شرایط بازار و صنعت بر مناسبات خانوادگی، عرصه را بر خانواده و کارکردهای آن تنگ کرده و افزایش گرایش‌های فردگرایانه و سبک زندگی مصرفی از عوامل مهم کاهش بُعد خانوار بوده‌است، باید بپذیریم که بازگشت‌پذیری روند کنونی نیازمند اصلاح‌های ساختاری بنیادین و تحولات گفتمانی است که در میان‌مدت شدنی نیست.

باید به این مهم توجه کرد که تحولات جمعیتی در کشورها، بیش از آنکه برآمده از سیاست‌ها و تلاش‌های ویژه جمعیتی مانند اعمال محدودیت‌های اقتصادی یا دادن کمک‌هایی برای مهار باروری باشد، بیشتر نتیجه اجرای الگوهای توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، یا نتیجه تحولات فرهنگی برآمده از حاکمیت رسانه‌های جدید و عواملی از این دست است؛ بنابراین، خطاست که گمان کنیم می‌توان با نگاهی انتزاعی، موضوع جمعیت را از عناوین هم‌بسته و درهم‌تنیده آن جدا کرد و به تنهایی سامان داد!

در واقع، خانواده پُرجمعیت در جهان معنایی ویژه‌ای عقلانیت می‌یابد که هنجارهایی چون قناعت و خویشتن‌داری، هم‌گرایی و هم‌بستگی، سلسله‌مراتب خانوادگی و تمایز نقش‌های جنسیتی، بردباری و سازش، نظارت اجتماعی و آینده‌نگری، در آن جایگاهی ویژه دارند و خانواده کم‌جمعیت نیز، در شبکه معنایی ویژه‌ای عقلانیت می‌یابد که خوش‌بودن و توجه به خود، حق تسلط بر بدن، استقلال مالی و تحرک اجتماعی زنان، برابری نقش‌ها، نادیده‌گرفتن سلسله‌مراتب خانوادگی، برتری شرایط و امور غیر خانوادگی بر ارزش‌های

خانوادگی، از انگاره‌های مهم آن‌اند.^۱

شکل‌گیری دوباره خانواده‌های پُرجمعیت در دوران حاکمیت گفتمان فردگرایانه -که شبکه معنایی سازگار با خود را در جامعه می‌گسترده هم بسیار دور از انتظار است و هم بسیار ناسازگار. پیدایش دوباره خانواده‌های پُرجمعیت، در مقیاس کلان، آنگاه کم‌آسیب است که شبکه معنایی سازگار با آن در جامعه گسترده شده باشد.^۲ به بیانی دیگر، اگر توسعه‌یافتگی و اجرای الگوهای توسعه را از عوامل اصلی کاهش رشد جمعیت بشماریم، برای تغییر در روند رشد جمعیت، یکی از سه راه‌حل زیر را باید برگزینیم:

راه‌حل نخست. با نادیده گرفتن ضرورت توسعه‌یافتگی، مناسبات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را به گذشته بازگردانیم که البته این گذشته‌گرایی، نه مطلوب است و نه ممکن! از یک سو مطلوب نیست؛ زیرا انباشت دانش و تجربه‌های عینی بشر امروز، به اندازه‌ای است که با گذشته سنجش‌پذیر نیست و نباید بشر امروز را در گذشته تاریخی خود زندانی کرد یا به ایستایی

۱. از نکته‌های چشمگیر آن است که برخی پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که خانواده‌های تهرانی بدون فرزند یا دارای فرزندان ازدواج کرده، نسبت به خانواده‌هایی که فرزند نوجوان یا دبستانی داشته‌اند، خشنودی بیشتری را از زندگی زناشویی خویش بیان کرده‌اند! این موضوع برآمده از تحولات معنایی است و نشان می‌دهد که خانواده پُرجمعیت در شبکه معنایی ناسازگار با خود، پذیرش عرفی نمی‌یابد. در این باره، ر.ک: نعمت‌الله فاضلی و شیوا علی‌نقیان، «گونه‌شناسی الگوهای در حال ظهور زندگی خانوادگی در شهر تهران»، مقاله‌های اولین همایش علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری، (در نشانی <http://www.Wul.ir/images/pdf/article-dr-fazeli.pdf>).

۲. دریافتن نکته بالا، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که هنگام روبه‌رو شدن با جامعه‌ای که تحولات ساختاری و گفتمانی را پشت سر گذاشته و در فضای معنایی ویژه‌ای زندگی می‌کند، بهره‌گیری از ادبیاتی که برای مردم آن جامعه ناآشناست، می‌تواند به رویارویی اجتماعی آنان بینجامد؛ از این رو، به‌کارگیری ادبیات دهه ۱۳۶۰ برای طبقه متوسط شهری در دهه ۱۳۹۰، همراهی آنان با سیاست‌های جدید را به دنبال ندارد؛ مگر آنکه در فرایندی زمانمند، اصلاح ساختارها و رفتن به سوی گفتمان خانواده‌گرایانه را در دستور کار قرار دهیم.

فراخواند؛ و از سوی دیگر ممکن نیست؛ زیرا جامعه آمادگی بازگشت به گذشته را ندارد.

راه حلّ دوم. همراه با پافشاری بر اجرای الگوهای توسعه مُدرن و با پذیرش شاخص‌های رشد فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی مُدرن - که نهادهای بین‌المللی و جهانی، آنها را در کشورهای گوناگون گسترش می‌دهند - با اجرای سیاست‌های تشویقی به افزایش جمعیت پردازیم. این برنامه که هم‌اکنون نهادهای گوناگون کشور آن را پی می‌گیرند، به دلیل آنکه در متن خود دوگانه و ناسازگار است، نمی‌تواند تأثیری شگرف در افزایش بُعد خانوار بگذارد. اجرای چنین سیاست‌هایی همچون آن است که گمان‌کنیم می‌توان بیماری‌های مُزمن و فلج‌کننده را با تسکین‌دهنده‌های موضعی درمان کرد! البته در این وضعیت، تأکید بر عنصر آگاهی‌بخشی، ایجاد ثبات اقتصادی و مواردی از این دست، تأثیراتی هر چند اندک، بر جای می‌گذارند.

راه حلّ سوم. با در پیش گرفتن نگرش‌های انتقادی نسبت به الگوهای توسعه، به ایجاد ادبیاتی جدید در توسعه و پیشرفت، بر اساس آموزه‌های اسلامی و شرایط بومی خویش همت گماریم تا بتوانیم به فراگیر شدن گفتمان خانواده‌گرایانه در برابر گفتمان فردگرایانه یاری رسانیم.

اینکه رهبر معظم انقلاب، ضرورت تدوین «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» را مطرح کردند، پاسخی به این نیاز زمین‌مانده بود که البته در میان‌مدت به بار نخواهد نشست. به همین دلیل است که باور داریم حلّ مشکل جمعیتی در ایران، راه حلّ بنیادین و زودبازده ندارد؛ مگر آنکه روش‌های آگاهی‌بخش، به گونه‌ای انقلابی به تحول نگرش‌های همگانی بینجامد؛ تا جایی که جامعه آمادگی داشته‌باشد هزینه‌های زیادی برای رویارویی با پیامدهای ساختارهای اجتماعی و اقتصادی کنونی پردازد؛ موضوعی که تحقق آن دشوار به نظر می‌رسد! به هر حال، در وضعیت کنونی شاید تحول بنیادین در توان ما نباشد؛ اما برای تحولات اندک، تا جای ممکن باید چاره اندیشید.

نکته مهمّ در بحث از راهبردها آن است که همه راهبردها باید زیر عنوان

کلی «بسته جامع جمعیتی» با هم هماهنگ شوند؛ بسته جامع جمعیتی از سیاست‌ها و قانون‌ها و برنامه‌های کلان تشکیل می‌شود و بر پایه نظریه‌ای روشن در موضوع جمعیت، شاخص‌های جمعیتی بومی، پیمایش‌ها و اطلاعات فراگیر، تحلیل‌های آینده‌نگرانه و روش‌های دفاع‌پذیر استوار می‌شود.

برای رسیدن به این هدف، در گام نخست، جمعیت باید به عنوان موضوعی میان‌رشته‌ای مطرح شود و حوزه‌هایی علمی که هر یک به گونه‌ای با موضوع جمعیت درگیرند، شناسایی شوند؛ سپس کارشناسان حوزه‌های علوم سیاسی، آسیب‌شناسی اجتماعی، اقتصاد، مدیریت، تربیت و روان‌شناسی، فقه و حقوق، کلام، اخلاق، جمعیت‌شناسی، سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی، بهداشت، محیط‌زیست و دیگر رشته‌ها، به ترتیب اولویت در «کارگروه علمی جمعیت» کنار هم بنشینند تا هر یک، موضوع جمعیت را از نگاه خود بررسی و پرسش‌ها و مسائل اصلی آن را پالایش کند. پس از پالایش مسائل است که پژوهش‌هایی برای پُرکردن کاستی‌های علمی و پاسخ به پرسش‌های اصلی انجام خواهد گرفت.^۱

این مطالعات، پیش‌زمینه دستیابی به نظریه جمعیتی نظام اسلامی^۲، شاخص‌های جمعیتی بومی، الگوهای مشارکت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی

۱. از موضوعاتی که باید در مطالعات آینده‌نگرانه بررسی شود، تصویر جمعیت در جهان پیش‌روست؛ آیا در جهان آینده -که مرزهای جغرافیایی تا اندازه‌ای اعتبار خود را از دست می‌دهند- هویت‌های جدید بر محور قومیت، مذهب، جنسیت، زبان یا نژاد شکل می‌گیرد یا بر محور زیست‌جهان؟ تحولات جمعیتی در این وضعیت، چه آثاری بر جای خواهد گذاشت؟ آیا جهان بدون مرز، فرصتی برای پیروان اهل‌بیت(ع) است تا با افزایش جمعیت و پیگیری سیاست مهاجرفرستی، فرهنگ اهل‌بیت(ع) را گسترش دهند یا زمینه‌ای است برای فرورفتن مهاجران در فرهنگ بیگانگان؟

۲. در نظریه جمعیتی به بحث‌هایی چون نسبت جمعیت با منابع طبیعی و اقتصادی و ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی، اندازه مطلوب رفاه در زندگی از نگاه دین، تحول‌پذیری سیاست‌های جمعیتی با توجه به شرایط زمانی و مکانی، و اندازه مطلوب بودن فرزندآوری زنان با توجه به ایجاد ظرفیت‌ها و فرصت‌های جدید اجتماعی و علمی برای آنان، توجه می‌شود.

و اقتصادی همگون با سیاست‌های جمعیتی نظام، الگوی واگذاری و بهره‌گیری از امکانات و منابع طبیعی، و مواردی از این دست است.

نتیجه‌ای که انتظار می‌رود، از یک سو دستیابی به سیاست‌های جامع جمعیتی و از سوی دیگر، همگون‌سازی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی با سیاست‌های جمعیتی است. برای نمونه، در عرصه صنعت باید به این پرسش پاسخ داد: در کشور ما، رویکرد مدیریتی حمایت از صنایع بزرگ و متمرکز و رویکرد مدیریتی حمایت از صنایع کوچک و بومی و تمرکززدایی از صنایع و انتقال آنها به شهرهای کوچک و روستاها، هر یک چه تأثیرات جمعیتی بر جای خواهد گذاشت؟

به هر حال، می‌توان به موارد زیر، به عنوان بخشی از راهبردهای مؤثر در اصلاح تحولات جمعیتی توجه کرد:

1. اصلاح نظام تربیت

در بخش غیر رسمی تربیت، اصلاح رویکرد رسانه ملی به جمعیت و به عنوان و پیام‌هایی که آثار خود را در رشد جمعیت نشان می‌دهند، بسیار مهم است. بازنمایی‌های رسانه درباره مسائل و چگونگی هویت جنسی، ازدواج، خانواده، مشارکت اجتماعی و سیاسی، و سبک زندگی به‌ویژه سبک زندگی اقتصادی، باید به گونه‌ای دقیق، موضوع مطالعات کارشناسی قرار گیرد.

رسانه ملی می‌تواند ازدواج در آغاز جوانی را به درستی به تصویر کشد؛ شادابی و هم‌گرایی و رسیدگی و پشتیبانی را در خانواده‌های بزرگ بازنمایی کند؛ شیرینی ساده‌زیستی را نشان دهد؛ تأثیر فرزندآوری در بلوغ و رشد پدر و مادر و تأثیر سازنده رنج‌های فرزندداری را بازگوید؛ الگوی مشارکت اجتماعی هم‌نوا با مادری را بنمایاند؛ از بیان پیوسته موضوع طلاق و کشمکش‌های خانوادگی و پافشاری بر گران‌بازی نقش‌های مادری و پدری خودداری کند؛ و از بازنمایی زندگی‌های تجملی و مصرفی بپرهیزد.

در بخش رسمی تربیت، آموزش و پرورش و آموزش عالی با تغییر رویکرد خود، باید ارزش‌های مربوط به خانواده را پُررنگ کنند و برای اینکه دختران و

پسران از پسِ مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی سازگار با جنسیت خویش برآیند، باید جامعه‌پذیری درستی را به آنان بیاموزند. در این باره، در کتاب‌های منتشرشده «مرکز تحقیقات زن و خانواده» فراوان سخن گفته‌ایم.^۱

همچنین نظام آموزشی برای حمایت از نقش مادری باید سازگاری پیدا کند. هم‌اکنون، دختران دبیرستانی که ازدواج می‌کنند، به مدرسه‌های شبانه با امکانات علمی کمتر رانده می‌شوند و در واقع، به دلیل ازدواج تاوان می‌پردازند! در حالی که می‌توان پس از ازدواج، دختران و حتی پسران دبیرستانی را به مدرسه‌های ویژه روزانه یا شبانه و با بهترین امکانات فرستاد. افزون بر این، انباشت ساعت‌های درسی، چه در دوره دبیرستان و چه در دانشگاه، به جای آوردن نقش‌های مادرانه را برای دانش‌آموزان و دانشجویان پُرهزینه و گران‌بار می‌کند. بومی‌گزینی در دانشگاه‌ها، تصویب قانون‌های روان‌تغییر دانشگاه برای افراد خانواده‌دار، آسان‌گیری در زمان فراگیری واحدهای درسی و در نظر گرفتن واحدهای مجازی و غیر حضوری در برخی از رشته‌ها یا سرفصل‌ها برای افراد همسرदार، می‌تواند از گران‌باری ازدواج و مادری بکاهد.

2. اصلاح ساختارهای اقتصادی

مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی، حفظ ارزش پول ملی، ایجاد امنیت و ثبات اقتصادی، و پیشرفت و شادابی بخشیدن به فضای کسب و کار است. حمایت از صنایع بومی و روستایی، حمایت از کارهای خانگی و بردن صنایع به خانه‌ها، قاعده‌مند کردن و گسترش دورکاری مادران^۲ نیز، از مواردی است که

۱. رک: گفت‌وگو با خانوادۀ (بیانیه تحلیلی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان به مناسبت روز زن)؛ محمدرضا زیبایی‌نژاد، جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی.

۲. استقبال نکردن زنان از چنین طرح‌هایی می‌تواند از این واقعیت سرچشمه گرفته باشد که جنبه‌های گوناگون این طرح‌ها مورد بررسی و مطالعه کارشناسانه قرار نمی‌گیرد و به شکلی ناپخته، تصویب و اجرا می‌شود. برپایی نظام دورکاری، نیازمند گسترش فرهنگ خود و زیرساخت‌های سازمانی و مهارت‌آموزی‌هایی است که به آنها توجهی نمی‌شود و این نگرانی را پدید می‌آورد که شاید دورکاری، زمینه‌ای برای حذف گام‌به‌گام افرادی است که در این طرح شرکت می‌کنند!

باید بررسی شود.

رویکرد حمایتی از زنان در محیط‌های کار برای ساده‌سازی نقش مادری، نباید به گونه‌ای بار هزینه‌های کارفرما را افزایش دهد که منطق بازار، آن را پس بزند؛ برای نمونه، هنگامی که بار همه هزینه‌های مرخصی زایمان و شیردهی بر کارفرما سنگینی کند، او را به سوی قانون‌گریزی یا اخراج مادران یا زنان تازه ازدواج کرده می‌راند؛ حال آنکه در بسیاری از کشورها، دولت مسئول تأمین این هزینه‌هاست.

افزون بر اینها، در برخی کشورها مانند آلمان، ساز و کارهایی چون نیمه‌وقت کردن کارها را در پیش گرفته‌اند که هم کارفرما و هم زنان کارپذیر از آن استقبال می‌کنند؛ در اینجا، کارفرما به جای بهره‌گرفتن از یک کارگر تمام‌وقت، دو نیروی نیمه‌وقت و تازه‌نفس را به کار می‌گیرد که روی هم رفته، هزینه یک کارگر تمام‌وقت را دریافت می‌کنند؛ همچنین بسیاری از زنانی که برخورداری از درآمد مالی، انگیزه اصلی آنان از انتخاب کار نبوده، به دلیل آنکه این شیوه، فرصت بیشتری برای ارتباط با فرزندان به آنان می‌دهد، مشتاقانه آن را می‌پذیرند. از دیگر برتری‌های این طرح، آن است که هنگام مرخصی زایمان یکی از دو زن کارگر، نفر دوم می‌تواند به طور تمام‌وقت، جایگزین موقت همکار خود شود و کارفرما نگرانی به کارگیری فردی جدید و سپس اخراج وی را ندارد. در برخی کشورها نیز چنان‌که پیش‌تر گفته شد- زیرساخت‌هایی فراهم کرده‌اند تا مادران نگرانی‌های کمتری برای حضور در محیط کار داشته باشند.

3. تدوین پیوست تحلیلی

سیاست‌ها و قانون‌ها و طرح‌های کلان در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، نیازمند مطالعات و تدوین پیوست‌هایی تحلیلی هستند که تأثیر آنها را در تحولات جمعیتی و بُعد خانوار نشان دهد. برای نمونه، بررسی تأثیر اجرای طرح مسکن مهر (به معنای ساخت واحدهای کوچک و انبوه) در کاهش بُعد خانوار، تأثیر فراخوان گسترده دختران به آموزش عالی در افزایش سن ازدواج و کاهش گرایش به فرزندآوری، تأثیر حضور گسترده و بیش از نیاز پسران در دوره‌های آموزش عالی در افزایش احتمال بیکاری و تأخیر در ازدواج آنان،

تأثیر سیاست‌های رفاهی در کاهش انگیزه فرزندآوری، و بررسی تأثیر مواردی از این دست، سبب می‌شود که نهادهای مسئول با ارتباط بیشتر با نهادهای کارشناسی، به تصویر روشن‌تری از ابعاد یک موضوع برسند و گاه با اصلاح برخی از جزئیات طرح خود، زمینه‌های آسیب را کاهش دهند.

4. اعمال سیاست‌های تشویقی

هم‌اکنون، بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته که زنگ خطر کاهش جمعیت را به گوش خود شنیده‌اند، سیاست‌های تشویقی نسبت به فرزندآوری را در پیش گرفته‌اند. اسپانیا و کره جنوبی برای هر نوزاد، به ترتیب 2500 یورو و 3000 دلار به پدر و مادر می‌پردازند. مشوق‌ها در برخی کشورها، تا چند سال پیگیری می‌شود و دل‌آسودگی بیشتری به پدر و مادر می‌دهد؛ برای نمونه، در فرانسه امکان حضور مادر در کنار فرزند خود با گرفتن مرخصی، تا سه سالگی فرزند فراهم است و پس از سه سالگی، کمک‌هزینه دولتی برای حضور در دوره پیش‌دبستانی و مدرسه و دانشگاه در نظر گرفته می‌شود و افزون بر آن، به پدر و مادر سبد کالای رایگان داده می‌شود و از تخفیف مالیاتی بهره‌مند می‌شوند و اگر نیاز داشته باشند، کمک‌هزینه خدمتکار را نیز دریافت می‌کنند. در ژاپن نیز، خانواده‌هایی که فرزند زیر 15 سال دارند، ماهیانه یارانه‌ای دریافت می‌کنند. کشور روسیه نیز، بخشش‌های مالیاتی فراوانی برای خانواده‌های دارای فرزند در نظر می‌گیرد.^۱

نکته چشمگیر آنکه بسیاری از این سیاست‌های تشویقی نتوانسته تأثیر چندانی در گرایش به مادری ایجاد کند و این نشانگر آن است که نداشتن گرایش نسبت به فرزندآوری، برآمده از تحولات فرهنگی و فشارهای ساختاری است. به هر حال، مشوق‌های دولتی باید به گونه‌ای باشد که از نگرانی‌های پدر و مادر نسبت به فرزندآوری و مشکلات پس از آن بکاهد. مشوق‌های زودگذر تأثیرات کمی بر جای می‌گذارند؛ اما تشویق‌هایی مانند

۱. ر.ک: «مشوق‌های کشورهای جهان برای افزایش زاد و ولد + آمار»، مشرق‌نیوز،

گشایش پس انداز دولتی برای تأمین آینده فرزندان و برای حمایت از کار و مسکن پسران و جهیزیه دختران می تواند مؤثرتر باشد.

در اینجا، باید به این پرسش پاسخ داد: آیا مشوق ها باید در اختیار همه خانواده ها قرار گیرد یا تنها به خانواده هایی داده شود که نگرانی های اقتصادی بازدارنده آنان از فرزندآوری است؟ با توجه به محدودیت منابع مالی، اگر افراد گیرنده تشویق ها تنها نیازمندان باشند، امکان حمایت بیشتری از آنان فراهم می شود؛ از سوی دیگر، پیش تر گفته شد که طبقه های اجتماعی بالاتر، گرایش کمتری به فرزندآوری دارند و مشوق های اقتصادی کمک چندانی به افزایش جمعیت این طبقه ها نمی کند.

چه بسا بتوان مشوق ها را به دو دسته تقسیم کرد: مشوق های همگانی که برای هر نوزاد به خانواده های نیازمند داده می شود؛ و مشوق های ویژه که برای فرزندانی است که خانواده ها به طور عادی، نسبت به داشتن آنها انگیزه ای ندارند؛ به این معنا که اگر بیشتر خانواده های ایرانی به داشتن یک یا دو فرزند گرایش دارند، فرزندان سوم به بعد از مشوق های ویژه برخوردار شوند؛ زیرا مردم بدون مشوق ها نیز خواهان فرزند نخست یا دوم هستند. برای نمونه، پس از به دنیا آمدن فرزند سوم به بعد، پدر از تشویق هایی مانند معافیت سربازی برخوردار شود یا آنکه یارانه های نقدی بیشتری برای فرزندان سوم به بعد، به دهک های پایین جامعه پرداخت شود.

همچنین می توان مشوق های ویژه را پیرو سیاست های منطقه ای قرار داد؛ به این معنا که در مناطقی که کاهش جمعیت تأثیرات منفی بیشتری دارد، تشویق های ویژه داده شود و در مناطقی که نرخ زاد و ولد بالاتر است و افزایش آن می تواند تعادل جمعیتی را بر هم زند، آن سیاست های تشویقی اعمال نشود.

5. افزایش آگاهی ها و مهارت ها

قاطعانه می توان گفت که تا خانواده ها به باوری جدید درباره افزایش جمعیت نرسیده اند، سیاست های تشویقی چندان کارساز نیست. هم اکنون، خانواده ها در

چند زمینه نیازمند تغییر نگرش‌اند:

در گام نخست، باید نگاه آنان به زندگی دگرگون شود و مسئولیت اجتماعی و تاریخی خانواده را در پایداری نسل بشر و استواری پایه‌های جامعه و مهار آسیب‌های اجتماعی، به درستی بشناسند. در گام دوم، باید پذیرای تغییر سبک زندگی خود به سبک‌های بناشده بر قناعت و بردباری و آینده‌نگری شوند. همچنین باید آثار مثبت فرزندان در افزایش پایداری خانواده، حمایت از پدر و مادر، و افزایش شادابی و هم‌بستگی به آنان گوشزد شود و پیامدهای کاهش بُعد خانوار به درستی برای آنان بیان شود. در گام سوم، با دادن اطلاعات و تحلیل‌ها و مهارت‌های بایسته، نگرانی پدر و مادر از تربیت فرزند در فضای پیچیده کنونی کاهش یابد تا آنان بتوانند سر رشته تربیت درست فرزندان را به دست گیرند.

تحوّل در نگرش‌های خانواده آنگاه تحقق می‌یابد که جمعیت به دل‌مشغولی همگانی تبدیل شود و مبلّغان و سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های مردمی افزایش جمعیت را تبلیغ کنند. نهادهای مردمی می‌توانند در ارتباطی پیوسته و چهره به چهره و با پشتیبانی و راهنمایی‌های کارشناسان، زمینه تغییر رویکرد خانواده‌ها را فراهم کنند و مهارت‌های بایسته برای رویارویی با آسیب‌های مربوط به تربیت فرزندان را به خانواده‌ها آموزش دهند. انجمن‌ها و گروه‌هایی که مادران یا پدران پایه‌گذاری می‌کنند، می‌تواند به کانون‌هایی برای آگاهی‌بخشی، داد و ستد تجربه‌ها، افزایش خودباوری و حمایت از فرزندآوری تبدیل شود و در همکاری با نهادهای دولتی، زمینه را برای تدوین هر چه بهتر اسناد جمعیتی و قانون‌های حمایتی از خانواده فراهم آورد.

از آنجا که فرزندآوری کاری انتخابگرانه در حریم خصوصی است، نباید فضایی ایجاد شود که پدران و مادران احساس کنند حکومت یا نهادهای دیگر، برای فرزندآوری به آنان فشار می‌آورند؛ در اینجا، تأکید بیش از اندازه بر فرزندآوری می‌تواند نتیجه‌ای وارونه بر جای گذارد و ایستادگی اجتماعی را

افزایش دهد.

در گذشته نزدیک، اگر خانواده‌ها به فرزندان کمتر گرایش یافته‌اند، به دلیل آن بوده که استانداردهایی از زندگی بهتر برای آنان تصویر می‌شده که با افزایش بُعد خانوار ناسازگار می‌نموده‌است؛ از این‌رو، هم‌اکنون باید استانداردهایی متفاوت به خانواده ایرانی پیشنهاد کرد و نشان داد که می‌توان راه‌های کم‌هزینه‌تری را برای برخورداری از سودهای بیشتر در زندگی خانوادگی پیمود.

به بیانی دیگر، نقش اصلی نهادها ایجاد گفتمان جدید در برابر گفتمان فردگرایانه و مصرفی است؛ اگر این تحول گفتمانی تحقق یابد، بیشتر مردم راه درست را در موضوع بُعد خانوار پیدا می‌کنند.

6. تدوین الگوی واگذاری و بهره‌گیری از منابع و امکانات طبیعی و مدیریت نیروی انسانی

تا هنگامی که نظام، توان مدیریتی خود را برای برقراری تعادل جمعیت از راه پخش عادلانه امکانات و منابع طبیعی و خدمات و بهداشت و فرصت‌های کاری، و نیز بهره‌وری از منابع به کار نگیرد و مهاجرت را مهار نکند، سفارش به افزایش جمعیت، اگر هم مؤثر واقع شود، افزایش آسیب‌ها و محرومیت‌های اجتماعی را در پی خواهد داشت؛ برای نمونه، روند شتابان مهاجرت مردان کارآمد روستایی به شهرها، به هم خوردن تعادل ازدواج در مناطق روستایی را به همراه داشته و درصد زیادی از دختران روستایی را به سن تک‌زیستی قطعی رسانده‌است.

در اینجا، باید به ضرورت تدوین سیاست‌های منطقه‌ای به فراخور امکانات و ظرفیت‌ها و محدودیت‌های هر منطقه، در دامنه سیاست‌های کلی در مقیاس ملی نیز توجه کرد؛ برای نمونه، در سال‌های اخیر در استان‌هایی مانند گلستان و

گیلان، تعداد زنان ساکن در استان بر تعداد مردان پیشی گرفته است^۱ که نشانگر مهاجرت گسترده به دلیل کمبود زمین کشاورزی است. در اینجا، ظرفیت‌های منطقه‌ای باید به سوی ایجاد کارهایی برود که فضای کالبدی کمتری را می‌گیرند.

در دهه‌های گذشته، استانداردهای بهداشتی و حمایت‌های بهداشتی و اقتصادی به گونه‌ای شکل گرفته که صنایع بزرگ امکان ماندگاری و رشد داشته‌اند؛ اما صنایع و دامداری‌های کوچک و خانگی به نابودی کشیده شده‌اند؛ با آنکه در کشورهایی مانند هلند، سیاست حمایت از دامداری‌های کوچک سبب شده که نگهداری حیوانات در خانه‌های روستایی، به کاری پرسود تبدیل شود.

راهبردهایی که تا کنون مطرح شد، تدبیرهایی برای افزایش جمعیت ملی و افزایش بُعد خانوار بود که در کنار آن باید به راهبردهایی برای رویارویی با وضعیت ثبات یا کاهش جمعیت نیز اندیشید. نگاه‌های آرمان‌گرایانه جمعیتی نباید ما را از برخورد سازنده با واقعیت‌های پیش رو یا احتمالی غافل کند؛ اگر پیش‌بینی‌های جمعیتی سازمان ملل متحد درباره ایران، بر اساس دورنمای باروری پایین به وقوع بپیوندد، با کاهش بیش از انتظار بُعد خانوار و افزایش سالمندی روبه‌رو خواهیم شد که از هم‌اکنون باید برای کاهش آسیب‌هایی که از سالمندی پدید خواهد آمد، چاره‌اندیشی کنیم.

هم‌اکنون، سالمندی با عناوینی چون بازنشستگی، سرباری، پارک‌نشینی و روزمرگی همراه شده است و این برداشت از سالمندی، افزون بر آنکه تصویری منفی از سالمندان به اعضای خانواده و به جامعه می‌دهد و آنان را انسان‌هایی تاریخ مصرف گذشته می‌شناساند، در سلامت روانی آنان نیز تأثیرگذار است؛ از این‌رو، باید به راهبردهایی اندیشید که این گروه را به سالمندانی کارآمد که

۱. رک: «گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰»، درگاه ملی مرکز آمار ایران،

(در نشانی <http://www.Amar.org.ir/default.aspx?tabid=1191>).

بتوانند آثار اجتماعی و فرهنگی و حتی اقتصادی بر جای گذارند و الهام‌بخش نسل جوان و نوجوان باشند، تبدیل‌کند. حضور سالمندان در هیئت‌امنای مسجدها و بنیادهای خیریه و امداد اجتماعی، نمونه‌ای عینی از کارآمدی این افراد است که می‌توان با بیشتر فراهم کردن عرصه‌های حضور و فعالیت، به آنان شادابی و احساس کارآمدی و سودمندی بخشید.

ده‌ها موضوع از این دست را می‌توان در مطالعات آینده‌نگرانه جمعیتی بررسی کرد و برای برخورد سازنده با آنها برنامه‌ریزی کرد تا آسیب‌های برآمده از کاهش جمعیت، کمینه شود.

سخن پایانی

مُدرنیت در حال نشان دادن چهره واقعی خویش به جامعه بشری است و آهسته آهسته جوامع انسانی را به مردابی فرو می کشد که بیرون رفتن از آن آسان نیست. بسیاری از تأثیرات به جای مانده از گفتمان مُدرن، مانند تحولات جمعیتی را نمی توان در کوتاه مدت و بدون تحوّل در نظام معنایی اصلاح کرد.

تحولات جمعیتی ایران همسو با تحولات جهانی، اما با آهنگی شتابنده تر رخ داده است. اگر این تحولات با تغییرات دیگری که دامن گیر خانواده ایرانی شده، در کنار هم دیده شوند، بر نگرانی ها می افزایند. «میانگین سنی جمعیت»^۱ که در سال 1365 برابر با 21/7 سال بود، در سال 1390 به 29/86 سال رسیده است که به روشنی، آهنگ پیری جمعیت را نشان می دهد. در سال 1390، بُعد خانوار شهری برابر 3/5 نفر و بُعد خانوار روستایی برابر 3/7 نفر شده که نشانگر آن است که تعداد فرزندان به کمتر از «حدّ جایگزینی»^۲ رسیده است.

در کنار این آمارها، افزایش آمار طلاق و افزایش آمار خانواده های زن سرپرست به دو میلیون و پانصد هزار خانوار -که 40 درصد آنان از خانواده کمیته امداد هستند- نشانگر تحولاتی غم انگیز در خانواده و بیانگر مشکلاتی است که نظام مدیریتی کشور در برابر این گروه دارد.^۳ افزایش خانوارهای

۱. «میانگین سنی جمعیت» میانگین سن افراد جامعه است.

۲. ر.ک: «گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1390»، درگاه ملی مرکز آمار ایران، (در نشانی <http://www.Amar.org.ir/default.aspx?tabid=1191>).

۳. ر.ک: «دو و نیم میلیون زن سرپرست خانوار در انتظار قوانین حمایتی»، خبرگزاری مهر، 1391/11/28.

(در نشانی <http://www.MehrNews.com/detail/News/1815297>). همچنین آمار نشان می دهد که در سال 1385 تعداد زنان بدون همسر بر اثر فوت، 6 برابر تعداد مردان بدون همسر بر اثر فوت بوده؛ یعنی این زنان بیوه نزدیک به یک میلیون و هشتصد هزار نفر

یک نفره از 5/2 درصد در سال 1385 به 7/1 درصد در سال 1390 نشان از تحولات شتابان اجتماعی و فرهنگی دارد که نمی‌توان نسبت به آنها بی‌تفاوت بود یا آنها را پدیده‌هایی جدا از هم دانست.

شناخت درست و تحلیل جامع این پدیده‌ها، پیش‌شرط بنیادین برای دستیابی به سیاست‌ها و راهبردهای درست جمعیتی است. نگرانی جامعه علمی کشور آن است که نهادهای سیاست‌گذار و قانونگذار و برنامه‌ریز، برای پاسخ به درخواست رهبر معظم انقلاب، پیش از دستیابی به شناخت و تحلیلی جامع، به تصمیمات شتاب‌زده و کم‌بازده دست زنند و کشور را دچار هزینه‌هایی کنند. نگرانی دیگر آن است که انگیزه تدوین اسناد راهبردی برای افزایش جمعیت، نظام را از آماده‌شدن برای روبه‌رویی با جامعه‌ای با رشد منفی جمعیت و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی آن بازدارد. باید به فهرست نگرانی‌ها، پیگیری سیاست‌های جمعیتی با وارد کردن ضربه‌های روانی به مردم یا در پیش گرفتن رویکردهای دولت‌سالارانه را نیز افزود. آنچه باید بر آن پافشاری کرد، ضرورت دخالت و مشارکت همگانی مردم در این روند است. مسئله جمعیت، مسئله جامعه‌ای بزرگ است که همه افراد باید نسبت به آن حساس باشند و به این باور برسند که افزایش جمعیت، کامرانی امروز و شادکامی فردای آنان را به همراه دارد و صد البته، بخش مهمی از این باور می‌تواند از آمادگی نظام مدیریتی کشور برای روبه‌رو شدن با فزونی جمعیت، سرچشمه گیرد.

و السلام

→ بوده‌اند. همچنین آمار نشان می‌دهد که نزدیک به نیمی از زنان طلاق‌گرفته دارای درآمد شخصی هستند؛ در حالی که تنها 27/4 درصد زنان بیوه از درآمد شخصی برخوردارند؛ در این باره، رک: «تعداد زنان بیوه 6 برابر مردان بدون همسر»، سایت تحلیلی خبری عصر/ایران، 1388/2/8.

(در نشانی <http://www.AsrIran.com/fa/news/70910>).

کتابنامه

1. قرآن کریم.
2. آزاد ارمکی، تقی؛ «آینده خانواده ایرانی با کارگزاری نسلی»، *آینده پژوهی مسائل خانواده*، زیر نظر سیدرضا صالحی امیری، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران، 1389.
3. آزاد ارمکی، تقی؛ *بنیان های فکری نظریه جامعه ایرانی*، نشر علم، تهران، 1391.
4. ابتهاج شیرازی، فریبا؛ «تنظیم خانواده در ایران، رویکردی سلامت‌نگر به جای جمعیت‌نگر» (گفت و گو با دکتر حسین ملک‌افضلی)، *ماهنامه پیام زن*، ش 156، اسفند 1383.
5. امانی، مهدی؛ «نگاهی به چهل سال تحول جمعیت‌شناختی ازدواج در ایران (از 1335 تا 1375)»، *نامه علوم اجتماعی*، ش 17، بهار و تابستان 1380.
6. اینگلهارت، رانلد؛ «جهانی‌شدن و ارزش‌های پسا مدرن»، ترجمه حامد حاجی‌حیدری، *راهبرد یاس*، ش 6، تابستان 1385.
7. جاراللهی، عذرا؛ «اثر اشتغال زنان کارگر بر تعداد فرزندان»، *نامه علوم اجتماعی*، ش 7، زمستان 1373.
8. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، چاپ سوم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، قم، 1416 ق.

9. خرّازی، سیدمحسن؛ «کنترل جمعیت و عقیم‌سازی»، فصلنامه فقه اهل‌بیت (ع) (فارسی)، ش 21، بهار 1379 و ش 22، تابستان 1379.
10. خلاصه مدیریتی طرح پژوهشی بررسی چالش‌ها و مسائل انتقال جمعیتی در ایران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، 1390.
11. خمینی، سیدروح‌الله؛ کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی (ره)، تهران، 1421 ق.
12. رفیع‌پور، فرامرز؛ توسعه و تضاد (کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران)، چاپ چهارم: شرکت سهامی انتشار، تهران، 1379.
13. روشه، گی؛ تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، ویراست دوم، چاپ هفدهم: نشر نی، تهران، 1384.
14. زیبایی‌نژاد، محمدرضا؛ جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی، مرکز نشر هاجر، قم، 1391.
15. ساروخانی، باقر و مریم رفعت‌جاه؛ «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، ش 2، تابستان 1383.
16. سمیعی‌نسب، مصطفی و مرتضی ترابی؛ «شاخص‌ها و سیاست‌های جمعیتی در ایران»، فصلنامه برداشت دوم، ش 11 و 12، تابستان و پاییز 1389.
17. شفیعی‌سروستانی، ابراهیم؛ رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی - مسئله‌شناسی، راهبردها و سیاست‌ها (مجموعه گفت‌وگو)، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، قم، 1391.
18. شفیعی‌سروستانی، اسماعیل؛ «مجامع مخفی»، ماهنامه موعود، ش 137 و 138، تیر و مرداد 1391.
19. شفیعی‌سروستانی، اسماعیل؛ «مجامع مخفی، شورای روابط خارجی (CFR)»، ماهنامه موعود، ش 141، آبان 1391.
20. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم: تصحیح علی‌اکبر غفّاری، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسین

- بقم المشرقة، قم، 1413 ق.
21. ضیایی بیگدلی، محمدتقی و صمد کلانتری و محمدباقر علی‌زاده‌اقدم؛ «رابطه بین میزان باروری کل با توسعه اقتصادی و اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش 21، تابستان 1385.
 22. طباطبائی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، 1417 ق.
 23. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم: انتشارات ناصرخسرو، تهران، 1372.
 24. عباسی‌شوازی، محمدجلال و عباس عسکری‌ندوشن؛ «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران، مطالعه موردی استان یزد»، نامه علوم اجتماعی، ش 25، بهار 1384.
 25. عطّارزاده، مجتبی؛ «پویش امنیتی رشد جمعیت در ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش 5 و 6، پاییز و زمستان 1378.
 26. علی‌دوست، ابوالقاسم؛ فقه و مصلحت، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، 1388.
 27. عیّاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیّاشی، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، المطبعة العلمیّة، تهران، 1380 ق.
 28. فاضلی، نعمت‌الله و شیوا علی‌نقیان؛ «گونه‌شناسی الگوهای در حال ظهور زندگی خانوادگی در شهر تهران»، مقاله‌های اولین همایش علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری، شهرداری تهران، 1391.
 29. کاستلز، مانوئل؛ عصر اطلاعات (اقتصاد، جامعه و فرهنگ)، جلد دوم، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ سوم: انتشارات طرح نو، تهران، 1382.
 30. کافی، هادی؛ «کارشناسی کنترل جمعیت (گفت‌وگو با دکتر محمدجلال عباسی‌شوازی)»، حوراء، ش 24، فروردین و اردیبهشت 1386.
 31. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، چاپ چهارم: دار الکتب الإسلامیّة، تهران، 1407 ق.

32. کوئن، بروس جی؛ درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر توتیا، تهران، 1370.
33. کولمن، جان؛ کمیته 300 کانون توطئه‌های جهانی، ترجمه یحیی شمس، چاپ هشتم: نشر فیروزه، تهران، 1380.
34. گفتمان خانواده (بیانیه تحلیلی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان به مناسبت روز زن)، مرکز نشر هاجر، قم، 1391.
35. «گفت‌وگو با دکتر محمودیان در موضوع کنترل جمعیت و تنظیم خانواده»، حوراء، ش 24، فروردین و اردیبهشت 1386.
36. گونزالز، سِرواندو؛ «میلیاردها در خدمت نسل‌کشی»، ماهنامه سیاحت غرب، ش 94، خرداد 1390.
37. محمودی، محمدجواد؛ «تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش رو و لزوم تجدید نظر در سیاست‌های جمعیتی ایران»، فصلنامه برداشت دوم، ش 11 و 12، تابستان و پاییز 1389.
38. محمودیان، حسین و حسام خدامرادی؛ «بررسی رابطه طلاق و توسعه اقتصادی اجتماعی در شهرستان‌های کشور سال 1385»، فصلنامه مطالعات/امیت/اجتماعی، ش 23، پاییز 1389.
39. مک‌کین، بیل؛ «تأملی درباره خانواده تک‌فرزندی»، ماهنامه سیاحت غرب، ش 6، آذر 1382.
40. مؤمن‌قمی، محمد؛ «سخنی در تنظیم خانواده»، فصلنامه فقه اهل‌بیت (ع) (فارسی)، ش 8، زمستان 1375 و ش 9، بهار 1376.
41. میرزازاده، شیرین؛ «ایران پیر می‌شود!» (گفت‌وگو با ماری لادیه-فولادی)، زنان، ش 103، مهر 1382.
42. «نگاهی دوباره به طلاق»، حوراء، ش 40، مهر و آبان 1390.
43. نوری‌همدانی، حسین؛ «کنترل جمعیت»، فصلنامه فقه اهل‌بیت (ع) (فارسی)، ش 33، بهار 1382.
44. هاوِپت، آرتور و تامس تی. کین؛ راهنمای جمعیت، ترجمه طه نوراللهی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، تهران، 1387.